



متن سخنرانی افتتاحیه آذر مدرسی دبیر کمیته مرکزی در کنگره دهم حزب حکمتیست (خط رسمی)



یکبار دیگر به همه رفقا و به هیئت حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری کردستان برای حضورشان در کنگره خوش آمد می گویم. امیدوارم این دو روز بتوانیم با دستوراتی که در مقابل خود گذاشته ایم و با نگاهی به اوضاع دنیا و ایران، اولویت های دو سال آتی حزب را تعیین کنیم و حزب را به جایی که از ما توقع می رود و خودمان توقع داریم، ببریم و برسانیم.

فکر می کنم امروز نمیشود در مورد هیچ مسئله سیاسی در دنیا حرف زد، بدون اینکه به شرایط جدیدی که جهان در آن قرار گرفته اشاره کرد. شما نمی توانید در مورد مسئله معیشت، چه در ایران، چه در اروپا، چه در افریقا صحبت کنید بدون اینکه به اتفاق بزرگی که در یک ماه گذشته در سطح جهان اتفاق افتاده است، صحبت کنید. حمله روسیه به اوکراین و کمپین و استفاده سیاسی که دول غربی از این مسئله کردند، چرخشی که در اوضاع جهانی پیش آمد، تاثیرات و عواقب آتی این اتفاق بر جامعه بشری از افریقا تا روسیه، امریکا، چین و ایران و... چنان وسیع است و چنان ابعاد عمیقی دارد که نمیتوان در مورد هیچ مسئله ای صحبت کرد بدون اینکه به اوضاع امروز دنیا نگاه کرد. باید بر متن این شرایط جدید در مورد مبارزات، اعتراضات، جدال های طبقاتی، کشمکشهای جهانی و یا محلی، در مورد جدال طبقه کارگر ایران با بورژوازی حاکم در آنجا، در مورد جدال بورژوازی حاکم در غرب با طبقه کارگر و... صحبت و تحلیل کرد. در همین یک ماه این اتفاق تاثیرات بسیار عمیقی بر اوضاع جهانی گذاشته است. فقط یک ماه از این جنگ و این حمله میگذرد، ولی ما شاهد چرخش و عواقب جدی، در همه ابعاد آن، در دنیا هستیم از تاثیرات آن بر گسترش گرسنگی وسیع و میلیونی، که امروز دامنگیر مردم در افریقا شده است، از خطر قحطی، از گرانی و رشد تورم در کشورهای غربی، از جنگ اقتصادی بورژوازی غرب علیه نه فقط مردم روسیه، بلکه تمام بشریت، از کشتار

کنگره دهم حزب و مباحث آن

گفتگو رادیو نینا با آذر مدرسی، دبیر کمیته مرکزی حزب

صفحه ۳

حزب حکمتیست (خط رسمی) و اپوزسیون راست در تحولات آتی

گفتگو با ثریا شهابی

صفحه ۴

کنگره دهم از ارزیابی تا مبارزات جاری

مصاحبه رادیو نینا با خالد حاج محمدی

صفحه ۷

"نقش کردستان در تحولات آتی ایران"

مصاحبه رادیو نینا با سهند حسینی

صفحه ۶

در معرفی قرار درباره بحران تخریب محیط زیست

سخنرانی امان کفا در کنگره دهم حزب

صفحه ۸

قرار مصوب کنگره دهم "حزب حکمتیست (خط رسمی) و مسئله فلسطین"

گفتگوی رادیو نینا با فواد عبداللهی از رهبری حزب

صفحه ۹

کنگره دهم توقعات و انتظارات

کمونیت ماهانه با آسو سهامی

صفحه ۱۱

در مورد کنگره دهم حزب حکمتیست (خط رسمی)

با محمد فتاحی

صفحه ۱۰

اطلاعیه پایانی کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

صفحه ۱۲

در این شماره می خوانید:

مصوبات کنگره دهم:

طعننامه درباره: اوضاع سیاسی و آلترناتیو کمونیستی - معرفی توسط آذر مدرسی (صفحه ۱۳)

قرار درباره: حزب حکمتیست (خط رسمی) و اپوزسیون راست در تحولات آتی - معرفی توسط ثریا شهابی (صفحه ۱۳)

قرار درباره: نقش کردستان در تحولات آتی ایران - معرفی توسط سهند حسینی (صفحه ۱۴)

قرار در باره: وظایف حزب حکمتیست (خط رسمی) در ارتقا مبارزات جاری - معرفی توسط خالد حاج محمدی (صفحه ۱۴)

قرار درباره: بحران تخریب محیط زیست - معرفی توسط امان کفا (صفحه ۱۵)

قرار درباره: حزب حکمتیست (خط رسمی) و مسئله فلسطین - معرفی توسط فواد عبداللهی (صفحه ۱۵)

قرار درباره: ضرورت همکاری سه حزب کمونیستی کارگری در تقابل با تاثیرات مخرب جنگ اوکراین (صفحه ۱۵)

پیام کنگره دهم حزب حکمتیست (خط رسمی) به طبقه کارگر ایران (صفحه ۱۶)

پیام کنگره دهم حزب به مردم آزادیخواه در لبنان، عراق و افغانستان (صفحه ۱۶)

پیام کنگره دهم حزب حکمتیست (خط رسمی) به کمونیست ها در ایران (صفحه ۱۷)

کمونیت را

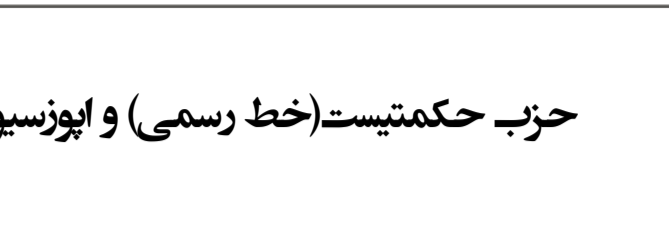
بخوانید، کمونیت

را بدست کارگران

و فعالین کارگری

پرسائید.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



گفتگو با ثریا شهابی

مطبی که میخوانید متن پیاده شده گفتگوی رادیو نینا با من است ، که این در تاریخ ۷ آوریل ۲۰۲۱ (۱۸فروردین۱۴۰۱) پخش شده است. با تشکر از رفیق آزاد کریمی برای پیاده کردن، ویرایش متن محاوره ای و ادیت.

ثریا شهابی در جریان سخنرانی در جریان نشست «حکمتیست(خط رسمی) و اپوزسیون راست در تحولات آتی»

وریا نقشبندی**:موضوع برنامه امشب یکی دیگر از مباحث کنگره دهم حزب تحت عنوان“ حزب حکمتیست(خطر رسمی) و اپوزسیون راست در تحولات آتی ”اختصاص دارد که بعنوان یکی دیگر از قرار هایی که در کنگره دهم حزب تصویب شد، آن را مورد بحث و گفتگو قرار میدهیم تا جزئیات بیشتری در رابطه با آن را در اختیار عموم قرار دهیم. مهمان برنامه امشب ثریا شهابی از رهبری حزب حکمتیست(خطررسمی) است که خودشان معرف قراری بودند که به تصویب کنگره رسید.**

ثریا شهابی؛ ضمن خوش آمد گویی به شما، سوال من از شما اینست که ضرورت و معرفی این قرار در این دوره و در این کنگره چه بود؟

ثریا شهابی :ضرورت این قرار از نیاز یک حزب سیاسی که باید به مسائل و اتفاقات پیرامونش جواب سیاسی بدهد، بیرون می آید. این قرار در ادامه سیاست های تاکتونی ما در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی بوده است. تحلیل ما در این رابطه متکی بر این واقعیت بوده است که در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی، دو نیروی اصلی با پلاتفرم های متفاوت، با شیوه و روش های متفاوت و با آرمان ها و اهداف متفاوت شرکت دارند، راست و چپ! که هر دو می خواهند هژمونی خودشان را اعمال کنند و افق خودشان را به افق جامعه تبدیل بکنند و تلاش می کنند که خودشان را به پیروزی برسانند.

الان دیگر هیچکدام از جریان های راست هم ادعا نمی کنند که نماینده همه مردم هستند. و این دو نیرو بعنوان دو نیروی اصلی در مقابل همدیگر، کاملاً شفاف و روشن در جامعه ابراز وجود می کنند و جامعه امروز ایران حول این دو تا نیرو کاملاً قطبی و پولاریزه شده است. تحلیل ها و تفسیر ها و سیاست های تاکتونی ما به روشنی بر این واقعیت تاکید گذاشته است. در این کنگره ما قطعنامه اوضاع سیاسی را هم داشتیم و اعلام آمادگی و اشتباهی حزب، بعنوان یک حزب سیاسی طبقه کارگر و بعنوان بخش متحزب گرایش کمونیستی طبقه کارگر، که آماده است که قدرت سیاسی را در دست بگیرد.

این سند به ما می گوید که در پروسه ای که شما می خواهید قدرت سیاسی را بگیرید، و در پروسه ای که می خواهید جنبش تان را در ادامه سیاست ها و مباحث تا به امروزتان، به پیروی برسانید، از جمله چه باید بکنید. به ما میگوید که بدنبال تحلیل ها و تبیین های مان، بدنبال سیاستی که منجر به صدور سند“ کنگره سراسری شوراهای مردمی بعنوان آلترناتیو عبور از جمهوری اسلامی ”شد، و برای به پیروزی رساندن جنبشی که در صحنه است، در ادامه چه قدم های دیگری را باید برداریم، که مطابق با شرایط و اوضاع سیاسی امروز باشد.

امروز شرایط و موقعیت راست جامعه را اگر نگاه کنید، با شرایط و موقعیتی که همین جریانات در کنگره پیشین ما داشتند خیلی فرق کرده است. نه از نظر ماهیتی که داشتند؛ که ما همیشه اذعان کرده ایم راست و چپ جامعه در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی متحد هم نیستند و رقیب همدیگر هستند. بلکه از نظر جنبشی در سطح جامعه خودشان را متحد و متشکل کرده اند و خیلی شفاف و به روشنی می توان تحركاتشان را دید. هم در سطح شخصیت ها و هم احزاب سیاسی و سازمانها، به روشنی خودش را بعنوان نیرویی که می خواهد قدرت را از بالا دست به دست کند و نیروهای بین المللی که حامی آنها هستند را پشت خودش به صف کرده است. که بخش هایی از خود حاکمیت را همانطور که ما پیش بینی کرده بودیم از حاکمیت کنده شده و به راست پیوسته اند، را هم همراه خود دارد.

این اتفاقاتی است که افتاده است و در نتیجه درجه پولاریزاسیون جامعه و شفافیت جنبش های اجتماعی در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی به جایی رسیده است که قابل انکار نیست. هرچند جامعه ایران از همین الان انتخابش را کرده است. جامعه ایران چپ و عدالتخواهی کارگری را انتخاب کرده است و هژمونی چپ در سطح جنبش های اعتراضی و در جامعه، برای هر کسی قابل تشخیص

حزب حکمتیست(خط رسمی) و اپوزسیون راست در تحولات آتی



است. این در سطح جنبشی است.

اما در سطح سیاسی می بینید که راست جامعه به شدت میدان را در دست گرفته است و تحركات وسیعی را پیراه انداخته است و بخصوص بخش های ریزش کرده و کنده شده از خود حاکمیت، که در انجمن های اسلامی فعال و اصلاح طلب بودند، به سرعت به سمت راست در اپوزیسیون شیفت کرده اند. این ها در این دوره با پرچم تقدس گذشته اشان، عملاً تعرضشان را به چپ و آزادیخواهی شروع کرده اند. عملاً مرزهای حتی به ظاهر دیپلماسی با چپ، را هم پشت سر گذاشته اند. به بهانه انقلاب ۵۷ لجام گسیخته علیه کمونیسم و علیه چپ، ابراز وجود کرده و بخشی را در کنار خودشان، متحد نگاه داشته اند.

علاوه بر این، ما منتظر این اتفاقات نبودیم تا این واقعیات را بگوییم. ولی این واقعیات، حزب ما را بعنوان یک حزب جدی و یک حزب پراتیک، و حزبی که تحلیل ها و تبیین ها و آرمانها و آرزوهایش را می خواهد با نقشه عمل به پیروزی برساند، به اینجا می رساند که مناسبات خود را با راست جامعه نقشه مند تر بکند و در این جدال دست بالا پیدا کند.

باید بعنوان یک جریان پیشرو راه نشان داد و باید گفت علاوه بر اینکه بعنوان یک حزب سیاسی اشتباهی به دست گرفتن قدرت سیاسی را دارم، علاوه بر اینکه این جنبشی که در بطن جامعه حضور دارد می تواند به پیروزی برسد، و بهترین شرایطی که می تواند این جنبش را به پیروزی برساند“ کنگره سراسری شوراهای مردمی ”است، ولی با این وجود باید بر این واقعیت نیز انگشت گذاشت که اصلی ترین رقیب شما بعنوان نیروی راست جامعه در چه وضعیتی است. و شما چه مناسباتی با آن دارید. به این معنی که راست جامعه باید فشار جنبش شما و سنگینی جنبش شما را در سطح جامعه حس کند. و شما، بعنوان یک حزب سیاسی، باید بتوانید هژمونی خودت را در کلیه تحركات اجتماعی تامین کنید. و سعی کنید افق و آرمانهای خودت را به افق و آمانهای کل تحركات اجتماعی تبدیل کنید. همانطور که چپ جامعه تا بحال هژمونی خودش را در تحركات اجتماعی تامین کرده است. این سند پاسخ شما به این شرایط ویژه است، که آن را به روشنی در خود فرموله کرده، و اجرای آن را در دستو کار حزب قرار داده است.

در نتیجه ضرورت این قرار حزبی، از این واقعیت اجتماعی ناشی می شود که شرایط موجود اقدامات روشن تر و نقشه مند تری را در سطوح مختلف از شما طلب می کند. طبعاً این تنها نقشه عمل حزب نیست. حزب باید نقشه عمل های متفاوتی داشته باشد. در مورد چگونگی سازمان پیدا کردن، چگونگی متشکل کردن بخش پیشرو جامعه و چگونگی جذب بخش هر چه بیشتری از فعالین و سازمان دهندگان و پیشروان جنبش های موجود در سطح جامعه به درون حزب، و یا مثلاً چگونگی مقابله با عواقب جنگ اکراین، همه اینها نقشه عمل های متفاوتی را در سطوح مختلف سیاسی و اجتماعی از حزب می طلبد. منتهی در سطح مقابله با راست جامعه در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران، شما باید نقشه مند عمل کنید و از این شفافیتی که راست جامعه به ناچار به آن تن داده است استقبال کنید و برایش نقشه عمل و برنامه داشته باشید. که برنامه و نقشه عمل ما در این قرار به وضوح آمده است.

اول اینکه باید این واقعیات را گفت و تصویری روشن از ملزومات پیشروی این جنبش به دست داد. و اینکه سعی کنیم هژمونی چپ و عدالتخواهی کارگری همچنان تأمین شود و به بهانه های مختلف مانند محاکمه انقلاب ۵۷ یا جنگ اکراین، یا اینکه برجام بشود یا نشود و یا بایدن بهتر است یا ترامپ، این هژمونی چپ و عدالتخواهی کارگری به پشت صحنه رانده نشود و در عین حال، با وجود اینکه دشمن ما جمهوری اسلامی است، ولی در تمام لحظات مقابله با جمهوری اسلامی در مقابل“ راست ”که می خواهد به نیابت از مردم و به اسم مردم قدرت را از بالا دست به دست بکند می ایستیم و جلو آن را می گیریم. چطور جلو آن را می گیریم؟!

این سند سعی می کند که جامعه را قانع کند به اینکه راه حل طبقه کارگر و راه حل گرایش کمونیستی طبقه کارگر را برای برگذاری کنگره سراسری شوراهای مردمی، بعنوان تنها راه حل و تنها آلترناتیو حکومتی قبول کند و باید به همه نیروهای راست چه در کردستان و چه در سراسر ایران در هر سطحی فشار آورد که از و رای سر مردم با توطئه و دسیسه و دیپلماسی مخفی دست به قدرت سیاسی نبرند و اگر داعیه قدرت سیاسی دارند باید به انتخاب امروز مردم که رفاه، آزادی، امنیت و اداره شورایی است گردن

کمونیست۲۵۹

بگذارند و به انتخاب فردای مردم که کنگره سراسری شوراهای مردمی است گردن بگذارند و اگر می خواهند فعالیت سیاسی بکنند، باید به موازین متمدنانه احزاب سیاسی متعهد شوند. بروند حزب سیاسی درست کنند یا در شوراهای شهرها، شوراهای کارگری و یا در شوراهای مردمی پلاتفرم سیاسی اشان را به معرض امتحان بگذارند و ببینند که مردم انتخابشان می کنند یا نه. ما معتقد هستیم که مردم چپ و گرایش کمونیستی را انتخاب می کنند، چرا که برای رفاه جواب دارد، چرا که برای امنیت جواب دارد، چرا که برای آزادی عقیده و بیان و حق زن و جدایی مذهب از دولت و کوتاه کردن کامل دست مذهب از زندگی زنان و از زندگی مردم قاطع است و بر خلاف“ راست ”که به هر مرجع اسلامی و مذهبی و قومی و ملی و … هزار و یک باج می دهد. پرچم رادیکالیسم چپ و کمونیسم بیشتر از هر چیز دیگری شانس دارد و جواب رادیکال به مسئله می دهد.

این برای خلع سلاح کردن“ راست ”از این تبلیغاتی است، که گویا چپ راه به قدرت رسیدن را بلد نیست! یا اینکه نمی خواهد به قدرت سیاسی دست ببرد. اینطور نیست! اگر گرایش کمونیستی طبقه کارگر بر چپ حاکم باشد که امروز هست، هم اشتباهی دست بردن به قدرت سیاسی را دارد، هم برنامه اش را دارد و هم تاریخاً در کردستان این تجربه را داشته است که جلو تعرض“ راست ”به حقوق مردم را بگیرد و نتواند جلو آزادی های بی قید و شرطی که کمونیست ها خواهان آن هستند را بگیرد و ایندفعه می خواهد در سراسر ایران این کار را بکند، طبعاً به اشکال دیگر و در شرایط دیگر.

این سند در واقع پلاتفرمی است برای دست بالا پیدا کردن چپ و عدالتخواهی کارگری طبقه کارگر و نشان می دهد که گرایش کمونیستی طبقه کارگر بر فراز داعیه های راست جامعه ایستاده است و می گوید که اجازه ندارند بعنوان یک جریان سیاسی از این موازین تخطی بکنند و اگر تخطی بکنند ضد مردمی هستند و باید آن را افشا کرد.

اما برای این چارچوب مورد نظر باید نیرو جمع کرد تا“ راست ”جامعه را در موقعیت یک حزب سیاسی قرار دهد و مجبورش کرد به اینکه به جامعه و به طبقه کارگر پاسخگو باشد.

اجازه بدهید یک نکته را به این بحث اضافه کنم و آن اینکه گاهاً وقتیکه صحبت از این گرایش می شود که ما در مقابل“ راست ”جامعه چه در کردستان و چه در سراسر ایران می ایستیم، این شائبه را دامن می زند که گویا تمرکز در جدال با جمهوری اسلامی را کم می کنیم و با راست جدال می کنیم. این واقعیت ندارد. جدال با جمهوری اسلامی نمی تواند فارغ از این باشد که شما همزمان با، راست ”جامعه که برای به قدرت رسیدن سناریوهای مختلفی را طرح و برنامه ریزی کرده است، که می تواند به مراتب از جمهوری اسلامی مخرب تر باشند، مبارزه نکنید. هر دو اینها یک جدال و به موازات هم هستند!

وریا نقشبندی :ثریا شهابی؛ الان که من همزمان با صحبت های شما قرار حزبی را مرور می کردم و در صحبت های خود شما هم بود، شما از دو نیروی “ راست ”و“ چپ ”در جامعه صحبت کردید. از این صحبت کردید که جامعه انتخاب خودش را کرده است و هژمونی چپ و گرایش کمونیستی طبقه کارگر در آن دست بالا را دارد. سوالی که به احتمال زیاد برای مخاطب پیش می آید این است که آیا در این سند و در رابطه با موضعی که در قبال اپوزسیون راست گرفته است، بزرگنمایی نشده است؟ و دوم اینکه در تحولات آتی جامعه ایران و مشخصاً بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، آیا این برگ تضمینی برای“ راست ”جامعه نیست که در کنار سایر جریانات و احزاب سیاسی فعالیت داشته باشند؟ و نهایتاً اینکه اگر جامعه انتخاب خودش را کرده است و به قول شما هژمونی چپ و عدالتخواهی کارگری در آن دست بالا را دارد، آیا هیچ نگرانی در مورد مخاطراتی که می تواند از طرف اپوزسیون راست در تحولات آتی جامعه ایران رقم بخورد وجود ندارد؟

ثریا شهابی :ببینید؛ به نظر من ما در مورد قد و قواره راست بزرگنمایی نمی کنیم. اگر شما“ راست ”جامعه را فقط در هیأت این آدم یا آن آدم نبینید، نمی توانید منکر موجودیت بورژوازی بشوید. بورژوازی یک طبقه است. طبقه ای که از فقر، از جنگ، از بی حقوقی، از نیاز آدم به معیشت و از نیاز آدمی به اینکه باید نیروی کارش را بفروشد تا زنده بماند، ارتزاق می کند. حالا می خواهد عامه بر سر داشته باشد یا تاج؛ فوکول کراواتی باشد یا پیژامه بپوشد! در نتیجه نمی توان منکر وجود بورژوازی شد و نمی توان منکر جنبش سیاسی و وجود“ راست ”در جامعه شد.

ما راست جامعه را بزرگنمایی نکرده ایم بلکه موجودیشت را به رسمیت شناخته ایم. بعنوان یک جنبش“ راست ”وجود دارد و بعنوان یک جنبش از حفظ استثمار منفعت می برد. از انقیاد اقتصادی منفعت می برد، از جنگ منفعت می برد و درجه آزادیخواهی اش به اندازه قطر کیف پولش است. ملیت هم ندارد و هر وقت خطری

←

احساس کند کیفیتش را بر می دارد و می رود در جای دیگری سرمایه گذاری می کند. در نتیجه این، راست "وجود دارد و شما نمی توانید انکار کنید و در عین حال نمی توانید اپوزسیون آن هم بشوید! ما اپوزسیون راست نیستیم، ما رقیبش هستیم. اتفاقاً کسی که اپوزسیون راست می شود، جنبش ما را کوچک نمایی می کند. طبقه ما را کوچک نمایی می کند و قدرت ما را کوچک نمایی می کند! ما اپوزسیون، راست "نیستیم. ما اپوزسیون جمهوری اسلامی در قدرت هستیم و می خواهیم جمهوری اسلامی را به زیر بکشیم ولی در عین حال رقیب، راست "در اپوزسیون هم هستیم.

در انقلاب ۵۷ هم کمونیست ها در کردستان رقیب حاکمیت بودند نه اپوزسیون آن. با حاکمیت می جنگیدند و در جاهایی که قدرت را می گرفتند اعمال قدرت می کردند. شورا تشکیل می دادند، "بنکه" تشکیل می دادند و جامعه را اداره می کردند. می خواهم بگویم که به رسمیت شناختن رقیبتان، قدرت شما را نشان می دهد نه ضعف شما را. و برعکس؛ پشت کردن به آن و فقط اعلام موضع کردن و خود را تبدیل کردن به اهرم فشار و اپوزسیون، راست "شدن، فرار از این جنگ است! ما به استقبال این جنگ می رویم. ما به استقبال جدال با رقیبی می رویم که می گوید ناتو را دارد، می گوید بانک جهانی را دارد.

اپوزسیون، راست "به قدرت ما و به قدرت جنبش ما آگاه است. برای همین است هر وقت که بخواهند ابراز وجود کند به ما فحش می دهند و هر وقت بخواهند که "راه حل" پیش روی جامعه بگذارند، اول از فحاشی به کمونیست ها شروع می کنند چون چپ ها و کمونیست ها را مانعی بر سر راه خودشان می دانند. و در حال حاضر اگر اعتراضات در ایران را در سطح جنبشی نگاه کنید، می بینید که چپ با گرایش کمونیستی طبقه کارگر دست بالا را دارد. چرا؟! برای اینکه عدالت اقتصادی می خواهد، برای اینکه می خواهد این را با اتکا به قدرت خودش و به قدرت شوراهایش اعمال کند. این را شما در معلمان می بینید، در بازنشستگان می بینید و در طبقه کارگر هم می بینید. به این اعتبار است که ما می گوئیم چپ بر اعتراضات هژمونی دارد و این هژمونی در دست آن گرایشی است که متشکل است، سازمان می دهد، شخصیت هایش را دارد و یک سر و گردن از الیت سیاسی، شرق شناس "و... که از صبح تا شب در مورد اینکه مبارزه مدنی خوب است و انقلاب بد است "صحبت می کنند، بالاتر هستند و در زمین واقعی نیرو جابجا می کنند و قدرت دارند. ولی، راست "منکر وجود این قدرت است و می خواهد با این ترفند که گویا این مبارزات صنفی هستند و نمی توانند کاری از پیش ببرند، چپ را خلع سلاح بکند.

ما معتقدیم که اگر شما بیشترین آزادی های سیاسی را بدهید، مطمئناً جامعه چپ را انتخاب خواهد کرد. بگذار به چپ ها و کمونیست ها فحش بدهند، کمونیست ها و چپ ها هم به مذهب و ملیت و مقدسات فحش بدهند. شما همین امروز شاهد این هستید که یک هنرمند آزادیخواهی که جلو پرچم کیانی تعظیم نمی کند، می خواهند همانجا با لات بازی و لمپن بازی کتکش بزنند و این تمام آزادیخواهی، راست "ایران است." راست "ایران نه لیبرال است و نه آزادیخواه، بلکه سوپر ارتجاعی است و از جنس راست افراطی اروپای شرقی و از جنس راست افراطی فاشیستی است. راست لیبرال آزادیخواه در ایران نداریم! ولی داعیه های لیبرالی دارند.

جامعه ایران فقط با حرف من و شما پی به ماهیت این راست ارتجاعی نمی برد. بلکه در جدال و مبارزه روزمره است که باید اندازه، ضدیتش "با مذهب را به جامعه نشان بدهید. برای اینکه بر خلاف تصویری که از خودشان نشان می دهند هم مراجع مذهبی را می خواهند، هم مراجع قومی را می خواهند. و در واقع هر کسی به غیر از قدرت مردم از پائین، را می خواهند چون به این شکل می توانند نظم موجود را حفظ کنند.

در مبارزه روزمره است که باید درجه، عدالت اجتماعی "راست جامعه را نشان داد. که شما باید سه نسل کار کنید تا آنها رشد اقتصادی داشته باشند و تمام افتخارات و آرمان هایشان رشد اقتصادی چهار رقمی و پنج رقمی است و هند مدینه فاضله اش است. مستقل از اینکه میلیون ها میلیون کارگر در هند دستشان به آب آشامیدنی درست و حسابی نمی رسد و به اندازه مصرف تمام دنیا هم تولید می کنند. این ماهیت، راست "است ولی جامعه آن را نمی شناسد. افکار و عقاید جامعه افکار و عقاید طبقه حاکم است. اینکه "حقوق بشری "اند،" جایزه نوبل "گرفته اند یا خیلی،" شرق شناس "هستند و در مورد خودشان چه می گویند، اصلاً مهم نیست.

شما باید بتوانید آنها را به جدال واقعی در زمین سفت بکشانید تا بتوانید برتری خودتان را نشان بدهید و ما برتر هستیم. نه به این

اعتبار که چون ما معتقدیم از نظر ایدئولوژیکی برتر هستیم بلکه به این اعتبار که ما رفاه می خواهیم. ما می خواهیم که آدمیزاد برای اینکه بتواند زنده بماند و زندگی کند به این احتیاج نداشته باشد تا نیروی کار خود را بفروشد، یا کلیه اش را بفروشد و یا منتظر بماند تا خریداری برای نیروی کارش پیدا شود. ما این را سهم آدمیزاد نمی دانیم. ما از نظر آرمانهای انسانی برتریم، ما از نظر قدرت اجتماعی و قدرت طبقاتی برتریم. کارگر اگر کار را تعطیل کند جامعه می خوابد! همین امروز ریشه بر اندام جنایتکاران جنگی افتاده است که کارگران بارانداز در ایتالیا محموله های اسلحه ای را که قرار بود به اسم، کمک های انسانی "به اکراین بفرستند، را بار نرده اند و این قدرت ماست. سهم ما از قدرت، میلیونی است!

به هر حال آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان، فقط برای من و شما نیست. خیلی ها هستند که از نظر افکار و عقاید، راست "هستند و داشتن افکار راستگرایانه و یا نژادپرستانه به خودی خود جرم نیست. البته حساب کسانی که در جنایت های جنگی شرکت داشته اند و مسئول کشتار مردم هستند، فرق می کند. آنها باید محاکمه شوند و پاسخ جنایاتی را که مرتکب شده اند پس بدهند. قطعاً ما طرفدار مجازات اعدام نیستیم. ولی باید مسئولیت جنایاتی را که انجام داده اند بر عهده بگیرند. خواستم تفاوت داشتن عقیده مخرب و ارتجاعی که نباید ممنوع باشد، را با عمل مخرب و ارتجاعی که مرتکب ش را باید محاکمه کرد، بگویم.

بکمی از موضوع دور شدم؛ به خود مسئله بر می گردم. پروژه ما برای عبور از جمهوری اسلامی نه، شورای مدیریت دوران گذار "که چشم امیدش را به ناتو و قدرت های غربی و کنده شده های از حاکمیت و سپاه، دوخته است؛ بلکه، کنگره سراسری شوراهای مردمی "است که همین الان می توان ده ها و ده ها کابینه ش، را از شخصیت هایی که همین امروز در حال مبارزه و جدال با جمهوری اسلامی هستند، تشکیل داد.

تنها راه مبارزه مسلمات امیز و کم خطر و تنها راه تحمیل آرا و افکار خودت به جامعه، این است که بروید در ارگان های مردمی فعالیت کنید. به جای اینکه بخواهید از طریق تلویزیون های "اینترناسیونال "و، من و تو "به قدرت برسید، لطفاً تشریف ببرید به شورای محل، شورای شهر، تشکل های معلمان، بازنشستگان و تشکلهای مردمی که برای آب و برق و نان مبارزه می کنند، فعالیت سیاسی کنید و تبلیغ کنید.

در نتیجه این سند به ما می گوید که ما می خواهیم، راست "را به این موازین متعهد بکنیم. فشار ما روی، راست "باید اینقدر زیاد باشد که نه تنها نتواند شما را انکار بکند، که مجبور شود به موازین شما هم تن بدهد. اینکه چطوری مجبور می شود به اینها تن بدهد سیر مبارزاتی و جدال جنبش های سیاسی در صحنه معلوم می کند.

این را، اجبار به تن دادن به موازین را، یک بار حزب دمکرات

کردستان ایران در کردستان تجربه کرده است. منتهی الزاماً این تجربه همیشه تکرار نمی شود. ولی جدال قدرت و برنامه و نقشه داشتن روشن، کار هر حزب پیشرو و جریان پیشروی است که راه را نشان می دهد و مسیر را برای رقیبش هم در این چارچوب معلوم میکند.

من فکر می کنم ما بزرگنمایی از راست نکرده ایم. ما رقیب راست هستیم و نه اپوزسیون آن!

کارگران و انقلاب

برای کارگر کمونیست انقلاب یعنی

فیزش طبقه کارگر برای عملی کردن

تمام این تمول عظیم اجتماعی. مبارزه

برای آزادی، برابری و حکومت کارگری.

اگر کارگر به میدان سیاست میاید

باید برای این بیاید. باید بعنوان رهبر

رهائی کل جامعه به میدان بیاید. دوران

کشیده شدن کارگران بدنبال این و آن

بسر رسیده است. جریان کمونیستی در

درون طبقه کارگر هدف خود را این قرار

داده است که کارگران را به این دورنما

مجهز کند و حرکت مستقل کارگران برای

کسب قدرت سیاسی و انجام انقلاب

کارگری را سازمان بدهد.

منصور حکمت

حکمتیست هفتگی: به سردبیری فواد عبدالمی پنه شنبه ها منتشر میشود

fuaduk@gmail.com

کمونیست ماهانه: به سردبیری خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

نشریه نینا: نشریه دفتر کردستان حزب، به سردبیری وریا نقشبندی منتشر میشود

verya.naksh@gmail.com

از سایت های زیر دیدن کنید

www.hekmatist.com

www.hekmat.public-archive.net

www.koorosh-modaresi.com

www.pishvand.com

www.marxhekmatistsociety.com

کارگران جهان متحد شوید

برای طبقه کارگر دارد؟

سه‌ند حسینی: تاریخا ناسیونالیسم کرد تلاش کرده که میان اعتراضات کارگران و مردم آزادیخواه کردستان با مبارزات سراسری شکاف بیاندازد. در دوره حضور آمریکا در منطقه و حملات نظامی به لیبی و سوریه و کلا دخالت‌های نظامی غرب و جنگ‌های نیابتی آنها که احزاب و گروه‌های ناسیونالیستی به سیاست غرب و دخالت آنها در ایران و از بالای سر مردم امید بسته بودند، این تلاش‌ها سنگینتر دنبال شد. دوره ایی با امید به جنگ‌های نیابتی و قبول شدن از طرف دولت‌های مرتجع منطقه و زیر چتر و سیاست آنها، دوباره ناسیونالیسم کرد و احزابش در راس چنین تلاشی قرار گرفت و باعث نا امنی جامعه شدند. مردم کردستان و به ویژه کمونیستها و حزب ما اساسا جدال سنگینی را در تقابل ناسیونالیسم کرد و سیاست‌های ضد انسانی آنها که در خدمت ناامن کردن کردستان و بعلاوه منزوی کردن مبارزات کارگران و اقلشار زحمتکش مردم در کردستان از مبارزات عدالتخواهانه سراسری بود، سازمان داد و در نهایت موفق به شکست آن شد.

اوضاع امروز کاملا فرق کرده است. آمریکا و میلیتاریسم آن در این منطقه شکست خورده است و به همین اعتبار امید ناسیونالیستها هم، به دخالت این دولتها مانند لیبی و سوریه و عراق به بن بست رسید. سیاست جنگ‌های نیابتی و اجیر شدن از طرف دول مرتج منطقه نقش بر آب شده است. اما هنوز این تمام ماجرا نیست و باید دقت کرد که ناسیونالیسم کرد یک جنبش قوی در کردستان است و با اینکه در این عرصه سیاست‌هایش شکست خورده اما نابود نشده و امکان اینکه با رویکرد دیگر بنا به توازن قوای موجود دوباره تلاش کند سیاستش را پیش ببرد و تلاش کند به نام ملیت و تفاوت زبانی و قومیت و تراشیدن هویت‌های کاذب برای مردم در کردستان، به مبارزات مردم برای رفاه و آزادی رنگ قومی بزند و مبارزات آنها را از اعتراضات سراسری جدا کند، قابل پیش بینی است و باید آنها را جدی گرفت.

تا آنجایی که به سلفیها بر می‌گردد اینها هم تلاش کردند در جاهایی ایجاد نا امنی کنند و به نوعی جامعه را مرعوب خود کنند و در رکاب سیاست‌های جمهوری اسلامی قرار بگیرند. ارباب جامعه از طرف سلفیها در سطح اجتماعی با اعتراض شدید مردم در مریوان و سنندج با قدرت جواب گرفت و عملا این جریان پوسیده و مرتجع در مقابل مردم شکست خورد. حزب در تمام این اقدامات و مبارزات اجتماعی در راس آن و پرچمدار به شکست کشاندن هر نیروی مرتجع، قومی و یا مذهبی بوده که خواسته اند جامعه را نا امن و مرعوب کرده و یا در میان اقلشار مختلف مردم و مبارزاتشان شکاف و چند دستگی ایجاد کنند. حزب در راس تلاش کمونیستها و آزادیخواهانی برای به شکست کشاندن نقش ناسیونالیسم کرد در ایجاد شکاف در اعتراضات مردم کردستان با مردم در سطح سراسری بوده است.

تامین هژمونی چپ و جنبش کمونیستی در سطح سراسری، برافراشته نگه داشتن پرچم سوسیالیستی و دفاع از برقراری شوراهای مردمی و کنگره شوارها و کردستان به عنوان نقطه اتکایی برای قدرت گیری کمونیسم و اداره شوارایی در نهایت چکیده و تاکیدات کنگره رو به حزب و کمونیست‌های کردستان است. حزب حکمتیست به عنوان بخش تحزب یافته کمونیستها و آزادیخواهان از طرف کنگره برای ایفای نقش و تامین ملزومات پیشروی و تامین رهبری در جدالها و تحولات سریع آتی موظف شده است. من هم از همینجا از همه آزادیخواهان و سوسیالیستها و فعالین عرصه مختلف تقاضا دارم و دعوت می‌کنم که به این تلاش و به حزب ما بپیوندند تا در جدال پیش رو بتوانیم با قدرت پرچم اداره شورایی جامعه و پرچم سوسیالیستی طبقه کارگر برای انقلاب کارگری را برافراشته نگهداریم.



جریانات بر متن توازن قوای جدید، پافشاری احزاب ناسیونالیست در تداوم سیاست های ضد مردمی شان و تلاش برای رنگ قومی و مذهبی زدن به اعتراضات اقلشار مختلف جامعه کردستان را باید جدی گرفت. از این سر هم کنگره و هم حزب با تاکید روی امکان ماجراجویی ناسیونالیسم و احزابش بر متن اوضاع موجود دوباره تاکید گذاشت و حزب را موظف کرد در جواب به این مسئله و در تقابل با تلاش‌های ناسیونالیسم کرد برای رنگ قومی و مذهبی زدن و ایجاد شکاف در میان مردم، نقشه مند و با برنامه وارد این تقابل شود و مبارزات و اعتراضات در کردستان را با مبارزات سراسری همجهت و در بستر مشترک قرار دهد. کمونیستها در کردستان يك تاريخ درخشان از مقابله و مبارزه تا مبارزه مسلحانه در مقابل جمهوری اسلامی داشته اند که از نظر طبقه کارگر و محرومان جامعه قابل ارج و جایگاه خاصی به آنها داده است. کمونیسم در کردستان پدیده ای اجتماعی است که با دفاع از برابری، با دفاع از حق زن با مخالفت با ارتجاع از نوع قومی تا مذهبی آن، با حقوق کودک و با دفاع از عدالت اجتماعی با دفاع از آزادیهای وسیع سیاسی تداعی شده است و این تاریخ کمونیستها در این جامعه و تاریخ ما است. کنگره تاکید کرد که حزب باید این موقعیت را حفظ کند و مانع ملاحظور کردن این تاریخ توسط شاخه های مختلف ناسیونالیسم کرد از چپ تا راست آن در خدمت يك جنبش راست و ضد کارگری شد.

کنگره همچنین روی اینکه کردستان به نقطه اتکایی برای قدرتگیری سوسیالیسم و تداوم کردستان سرخ و کارگری و قدرتگیری شوارها و اداره شوارایی باشد و همچنین به نقطه اتکایی برای کمونیستها در سطح سراسری تبدیل شود، تاکید شد. دفتر کردستان به عنوان ابزار حزب در دخالت و پیشبرد سیاست‌های حزب در کردستان، موظف است که جهت کنگره و حزب در بطن این تحولات را اجرایی و جدال حزب را در کردستان نقشه مند و با قدرت به پیش ببرد. باید روی این نکته تاکید کنم که یکی از بندهای قرار، تامین هژمونی چپ در کردستان بعنوان سنگری جدی در مبارزه آزادیخواهانه مردم برای دستیابی به آزادی و برابری و اداره شورایی جامعه و تبدیل کردستان به نقطه اتکایی برای قدرتگیری طبقه کارگر و جنبش انقلابی بود که جهت روشن و درخشانی است که کنگره هم روی آن تاکید کرده است.

آسوسه‌های: شما به وضعیت کردستان اشاره کردید و اینکه کردستان یک جامعه تحزب یافته است و همچنین اینکه کمونیسم و کمونیستها در کردستان دور و نقش برجسته ایی دارند. می‌خواهم از شما بپرسم در کل پیام این قرار چی هست و این قرار می‌خواهد در نهایت به کمونیستها و مردم کردستان چه چیزی بگوید؟

سه‌ند حسینی: یکی از مهمترین پیام‌های این است که کمونیستها بر متن تحولات موجود در جامعه کردستان راسا وارد جدال طبقاتی و اعتراضات روزمره بشوند. تاکید بر اینکه کمونیستها، آزادیخواهان و فعالین عرصه های مختلف که برابری، رفاه، آزادی، امنیت و زندگی بهتر می‌خواهند را در سطح سراسری و در یک بستر مشترک قرار دهند، جهت مهم دیگری بود که کنگره آنها برجسته کرد. همچنین کنگره کمونیست‌ها، رهبران و فعالین طبقه کارگر، آزادیخواهان و برابری طلبان در کردستان را به پیوستن به این تلاش و مبارزه سازمان یافته و متحزب در حزب حکمتیست (خطر رسمی) و گسترش سازمان های حزب در جنبش های اجتماعی و محل های کار و محلات زندگی مردم فراخواند. نقش حزب برای دخالت در تحولات جامعه عملا در بیشتر قرارها و قطعنامه ها برجسته است. بر همین مبنا برای چنین دخالتی و تأثیر گذاری روی تحولات جامعه کردستان، دفتر کردستان و بعلاوه تشکیلات محلی حزب در کردستان ابزار چنین دخالتگری و تامین وظایفی است که کنگره در این تحولات بر دوش حزب گذاشته است. در روند سرنگونی و تحولات ریشه ایی جامعه و ایجاد یک حکومت شورایی و سوسیالیستی حزب در راس کمونیسم جامعه و همراه کمونیستها و آزادیخواهان ملزومات تامین رهبری و ایجاد کنگره سراسری شوراهای مردمی را در دستور باید داشته باشد.

آسوسه‌های: من خیلی کوتاه اشاره کنم به دلیل کمبود وقت برنامه، شما به پیوند سراسری مردم کردستان و طبقه کارگر کردستان در سطح سراسری اشاره کردید، می‌خواهم از شما بپرسم این قرار در تقابل با ناسیونالیسم و همچنین سلفی گری در کردستان چه پیامی

"نقش کردستان در تحولات آتی ایران"

مصاحبه رادیو نینا با سه‌ند حسینی

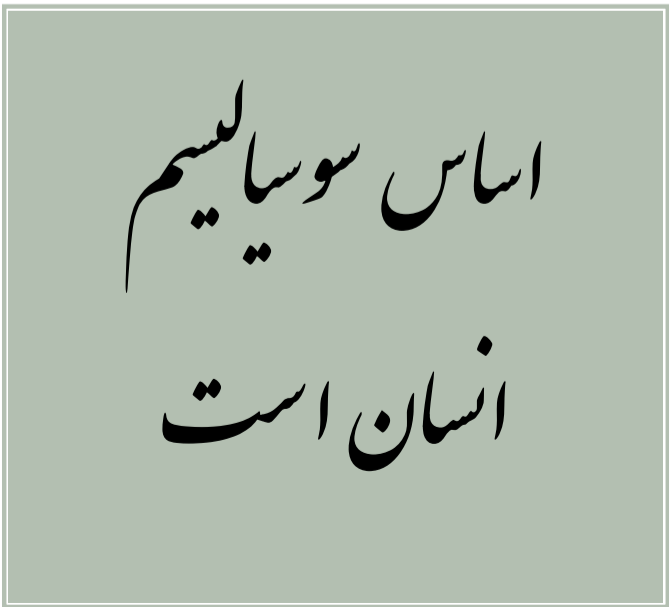
نوشته زیر متن پیاده و تدقیق شده مصاحبه رادیو نینا در مورد قرارمصوب کنگره دهم حزب " نقش کردستان در تحولات آتی ایران" ادیت و مکتوب شده است.

آسوسه‌های: روزهای ۲۶ و ۲۷ مارس ۲۰۲۲ مصادف با ششم و هفتم فروردین ۱۴۰۱ کنگره دهم حزب حکمتیست (خطر رسمی) با شرکت اکثریت نمایندگان در کشور سوئد برگزار شد. یکی از قرارهای که در کنگره به اتفاق آرا تصویب شد قراری تحت نام " نقش کردستان در تحولات آتی ایران" بود. امروز سه‌ند حسینی دبیر دفتر کردستان حزب حکمتیست (خطر رسمی) با ماست تا جزئیات بیشتر این قرار را از زبان ایشان بشنویم.

سه‌ند حسینی ضمن تیریک به شما و مردم کردستان به مناسبت پایان موفقیت آمیز کنگره دهم حزب، شما در کنگره معرف این قرار بودید. لطفا برای ما و بینندگان توضیح دهید که کردستان در تحولات آتی ایران چه جایگاهی داره و اهمیت این قرار را در چه می بینید؟

سه‌ند حسینی: با سلام به شما و بینندگان نینا و همچنین تیریک کنگره موفقیت آمیز. فکر می‌کنم در تب و تاب جامعه ایران و در بطن این تحولات عمیق، تلاش برای اینکه کردستان همچنان به نقطه اتکایی برای اداره شورایی و برافراشته نگه داشتن پرچم سوسیالیستی و کارگری باشد تلاشی واقعی، جدی و هر روزه از طرف کمونیستها است که هم حزب و هم کنگره روی آن دوباره تاکید کرد. این تلاش در نتیجه تاریخی از مبارزاتی است که در کردستان وجود دارد. در این چهار دهه مبارزه برای آزادی و برابری، مبارزه برای رفاه، مبارزه برای دفاع از دستاوردهای انقلاب و برای یک جامعه امن و برای به قدرت رساندن سوسیالیسم تلاش واقعی بود؛ تلاشی که چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی و تلاش برای سرکوب آن، نتوانست این جامعه را به عقب براند. جمهوری اسلامی علیرغم یک سرکوب شدید و حمله از زمین و هوا به مردم کردستان نتوانست جامعه را مرعوب بکند. در کردستان جنبش سوسیالیستی و کمونیسم در سطح اجتماعی قوی و تحزب یافته است و این یکی از پایه های مهم برای قدرتمند کردن جنبش کمونیستی در سطح اجتماعی و در سطح سراسری بوده است. کارگر صنعتی در اهواز، تهران و تبریز و ... به قدرت کمونیسم در کردستان همیشه چشم دوخته و به آن امیدوار بوده است. این امیدواری بی شک یک تاریخ درخشانی را پشت سر خودش دارد که تاریخ ما، تاریخ کمونیسم در کردستان است. در کردستان تلاش برای برگزاری باشکوه و قدرتمند ۸ مارسها و اول ماه مه ها وجود دارد. مردم در کردستان تاریخا در بطن اتفاقات و پدیده های طبیعی مانند زلزله، سیل و ... نبضشان و قلبشان همراه مردم در سراسر کشور به تپش افتاده است و کاروانهای کمک به زلزله و سیل زدگان از طرف مردم کردستان تاریخ درخشانی را پشت سر خودش دارد و یک همجهتی و همدردی و هم سرنوشتی را در سطح سراسری نشان داده و تلاش برای قرار دادن این هم سرنوشتی و همجهتی در یک بستر مشترک از طرف حزب ما و کمونیستها همیشه وجود داشته است. مبارزات و اعتراضات وسیع در این چند ساله از جانب کارگران و اقلشار ستمدیده در سراسر ایران و از جمله در کردستان يك مبارزه واحد با امیال و مطالبات واحد بوده است و کمونیستها عموما و جریان ما همیشه برای حفظ این همسرنوشتی طبقاتی تلاش کرده چیزی که کنگره نیز بر آن تاکید کرد.

در کردستان تا آنجایی که به نقش ناسیونالیسم کرد بر می‌گردد، تلاش برای رنگ قومی و مذهبی زدن به مبارزات و اتفاقات و اعتراضات توده ها و اقلشار مختلف مردم در کردستان و منزوی کردن آن از مبارزات سراسری وجود داشته و برجسته بوده و از این طریق خواسته در میان اقلشار مختلف مردم به ویژه در سطح سراسری شکاف و فاصله ایجاد نماید. ما طی این سال ها شاهد تلاش ناسیونالیسم کرد برای قومی- مذهبی کردن جامعه کردستان و جدا کردن آن از مبارزات آزادیخواهانه سراسری، بوده ایم. این تلاش ها در دوره اخیر و زیر سایه دخالت‌های امپریالیستی، جنگ و تخاصمات منطقه ای و میدان داری سیاست های ارتجاع بین المللی و محلی در دامن زدن به "جنگ های نیابتی" و " قومی و مذهبی " کردن بیش از پیش خاورمیانه، شدت پیدا کرد. این سیاست و تلاش ها با مخالفت مردم کردستان و در راس و رهبری آن، حزب ما و نیروهای چپ و فعالین کمونیست جامعه همراه بوده و شکست خورده است. علیرغم این مخاطرات و علیرغم شکست و استیصال این



تاکید دارد که در این دوره بر دوش ماست. به این اعتبار هم این کنگره بر مسائل مختلفی که در مقابل حزب ما و جنبش کمونیستی قرار دارد و بر پاسخ دادن به این مسائل در این دوره انگشت گذاشته است. و این اهداف متحقق شد. کنگره با سطح خیلی بالایی از دخالت‌گری و اتحاد سیاسی تمام قرارها و قطعنامه‌هایی که در دستور خود داشت را تصویب کرد و یک هم‌جهتی واقعی و جدی در میان نمایندگان کنگره و نامه‌ها و پیام‌هایی که از تشکیلات‌های مختلف و رفقا و فعالین ما در ایران به دست ما رسیده بود مشاهده می‌شد. و حتی هیئت‌هایی از حزب کمونیست کارگری کردستان عراق و حزب کمونیست کارگری عراق که در این کنگره شرکت کردند و یک هماهنگی و اتحاد بین نمایندگان حاضر در کنگره و این رفقا وجود داشت. طوری که کاملاً محسوس بود که هم آنها و هم ما و هم پیام‌هایی که از تشکیلات‌های مختلف برای کنگره آمده بود – که تعدادی از این پیام‌ها را هم منتشر کرده‌ایم - بر مسائل واقعی و مشترکی انگشت می‌گذارند و درک مشترکی از اوضاع دارند. و این در کنگره بسیار برجسته بود. به این اعتبار من ارزیابی بسیار مثبتی از کنگره دارم. اما کنگره یک وظیفه‌ی مهم دارد که تأمین شد و بقیه میماند دنبال کردن مصوبات و نقشه برای پراتیک آن که بر دوش مرکزیت و رهبری حزب قرار می‌گیرد. بخش اعظم قطعنامه و قرارها به اتفاق آراء تصویب شد و ما شاهد یک اتحاد جدی و خوشبینی در عین واقع‌بینی عمیق بودیم. به این اعتبار کنگره موفق بود و کار خودش را به خوبی انجام داد.

سونیا محمدی: پس با این تفاسیر باید به شما و رفقای حاضر در کنگره دهم و کلاً تمام طبقه کارگر در ایران تیریک و خسته نباشید بگویم. سوال دیگری که دارم مربوط به خوش‌بینی‌ای است که درباره‌ی مبارزات آتی در ایران به آن اشاره کردید. با توجه به مباحثات مطرح شده در کنگره دهم تا چه حد می‌توان به این تحولات خوشبین بود؟

خالد حاج محمدی: نه تنها در مباحثات کنگره بلکه در مباحثات پیش از کنگره توسط رفقا و کادر رهبری این خوشبینی مشهود است. ما کلاً ارزیابی بسیار روشنی از فضای جامعه‌ی ایران داریم و این بر کسی پوشیده نیست. من در ابتدای صحبت‌هایم هم به آن اشاره کردم که فضای اعتراضی جامعه چپ است. هر کس که نگاه بکند جای پای یک کمونیسم کارگری در اعتراضات بخش‌های مختلف جامعه را می‌بیند. برای نمونه اگر به ده سال پیش ایران برگردیم و از زاویه‌ی بیرون از جامعه‌ی ایران نگاه کنیم می‌بینیم که شخصیت‌هایی که مشهور بودند و مدیای غربی و محلی پشت‌شان بود شخصیت‌های دو خردادی، شخصیت‌های نیمه منتقد و لیبرال همراه حاکمیت و یا منتقد آن و جمعی از شاعران و نویسندگان بودند که امری عادی بود. اما اکنون را اگر نگاه کنید می‌بینید که این رهبران کارگری هستند که به عنوان شخصیت‌های صالح جامعه مشهور هستند. مدافعان واقعی برابری زن و مرد هستند که مشهور شده‌اند. کمونیست‌های جوان و دو آتشه که خواهان عدالت و برابری هستند به عنوان شخصیت‌های جامعه مطرح شده‌اند. شما اگر نگاه کنید می‌بینید که بسیاری از انسان‌های رادیکال و انساندوست، به عنوان شخصیت‌های صالح و نه تنها به عنوان نمایندگان محلی مثلاً هپکو، فولاد و هفت تپه یا نفت، بلکه به عنوان شخصیت‌های سیاسی جامعه اسم در کرده‌اند.

به این اعتبار جایگاه چپ و کمونیسم، جایگاه جریان مارکسی و کمونیسم نوع ما در اعتراضات و اعتصابات مشهود است. کمونیسم در این جامعه خوشنام است. بسیاری از انسانهای رادیکال آن جامعه بدون ترس می‌گویند ”بله، من کمونیست هستم” و این را به جمهوری اسلامی تحمیل کرده‌اند. جمهوری اسلامی مجبور است آن را بپذیرد و سالیان سال است که این را پذیرفته‌است. این‌ها نشانه‌ی این است که زمینه‌های رشد کمونیسم خیلی بالاست. حزب ما به عنوان جریانی که تقریباً از قیام به بعد به عنوان یک جریان شاخص در کمونیسم ایران مطرح بوده و حیات داشته‌است شناخته می‌شود. حزبی که کمونیسمش را از مارکس گرفته و یک تاریخ مبارزه‌ی جدی چهل ساله را پشت سر خود دارد. و حزب حکمتیست(خط رسمی) کل این کمونیسم را در تمام این دوره‌اش نمایندگی می‌کند و کل این تاریخ را به هم وصل کرده و مدافع و پرچمدار و امتداد آن است. این کمونیسم در جامعه‌ی ایران جای پا دارد. بحث من تنها تشکیلات نیست، بحث من بر سر جنبشی است که همین سیاست‌های که ما فروموله بیان کرده ایم و خواسته‌ها را دارد. این‌ها همه موقعیت‌های بسیار ارزشمندی هستند و من به این اعتبار خوشبین هستم.

اما باید تأکید کنم که اینها به این معنا نیست که ما فکر میکنیم مانعی بر سر راهمان نیست. موانع جدی در راه است. کسی برای کمونیسم در آن جامعه فرش قرمز پهن نکرده. راه همواری در مقابل ما نیست. من فکر می‌کنم که یک دوره‌ی جدال جدی در مقابل ماست. هر زمان احساس کنند کمونیسم دارد به یک پدیده‌ی توده‌ای و زمینی و واقعی مانند الان که به سمت میرویم- تبدیل می‌شود تلاش می‌کنند علیه آن نقشه بریزند، صف‌بندی‌های موجود را به



موفقیت در این مبارزات برایش اهمیت دارد، نفس توفیق در هر مبارزه‌ای برای بهبود معیشت و تأمین نان شب بخش محروم جامعه برای ما حیاتی است. این یک بخش از قرار است؛ یعنی نفس تلاش برای توفیق در مبارزات جاری.

در عین حال فکر می‌کنیم رمز پیروزی در این مبارزات اتحاد آن است؛ فرا رفتن از سطح محلی و فابریکی (کارخانه‌ای) است و اتحاد فرامحله‌ای و سراسری بخشی از این مسئله‌است. بعلاوه فکر می‌کنیم تأمین رهبری سوسیالیستی و رادیکال این اعتراضات در سطح محلی، منطقه‌ای و حتی سراسری یک امر جدی است. تضمین توفیق در مبارزات بخشا در گرو این امر است. چیزی که بسیاری از کارگران سوسیالیست و رادیکال و انسان‌های کمونیست و رادیکال هم برایش تلاش می‌کنند. حزب ما تأمین این امر را وظیفه‌ی خودش و هر کمونیستی در دل این مبارزات می‌داند. در نتیجه این جزو وظایف مهمی است که در دستور کار حزب ماست. در عین حال فکر می‌کنیم که طبیعتاً یک حقیقت پا به پای پیشرفت مبارزات در جامعه‌ی ایران در تمام سطوح آن -چه مبارزات کارگری، چه مبارزات زنان و محلات، و اقصای مختلف - اتفاق افتاده است و آن این است که این مبارزات به درجه‌ی زیادی سازمان و رهبری پیدا کرده و بحث تکیه بر مجامع عمومی و تصمیم جمعی و شوراهای کارگری، همه اینها مطرح شده‌است و در بخشی از مبارزات موجود به آن تکیه شده است. هفت تپه و فولاد و بسیاری دیگر، نمونه‌هایی از این امر هستند. اما تلاش برای اینکه این پدیده به مجامع عمومی و دخالت همه‌ی کارگران و معلمان و بازنشستگان و منظم کردن مجامع عمومی‌شان و شکل‌دهی به یک اتحاد فرافابریکی و فرامحلی بیانجامد، یک امر حیاتی است و این بر دوش ماست و بر دوش حزب ما، به عنوان بخش متحزب کمونیست‌های طبقه کارگر و بر دوش همه‌ی کمونیست‌هاست.

علاوه بر این، اتفاقات دیگری در پیشروی جنبش کارگری به طور خاص و بخش‌های دیگر جامعه اتفاق افتاده که آن هم حفاظت از رهبران و سخنگویان اعتراضات جاری است. این یک پدیده‌ی جدی است. رهبران کارگری و رهبران معلمان و بازنشستگان چشم و گوش این اعتراضات هستند و طبیعتاً حاکمیت و پلیس سیاسی برای پرونده‌سازی علیه آنها و حتی ترور و از میان برداشتن آنها تلاش می‌کند. و همه‌ی اینها پدیده‌هایی هستند که در تاریخ چهل و چند ساله‌ی جمهوری اسلامی شاهد آن بوده‌ایم. به همین دلیل حفاظت از رهبران و سخنگویان یک امر جدی برای حزب ماست و خوشبختانه این به یک سنت تبدیل شده است و تمیم این سنت به بخش‌های مختلف و تلاش برای حفاظت همه جانبه از آنها در دستور کار ماست.

آخرین نکته‌ای که در این قرار به آن اشاره شده‌است تلاش‌های حاکمیت برای تفرقه‌افکنی است که همیشه وجود داشته‌است. چه از طرف حاکمیت و ارگان‌هایش و چه از طرف جریانات قومی و ناسیونالیستی. لذا مبارزه و مقابله علیه هر گونه نفاق افکنی در صفوف طبقه کارگر و اقصای محروم جامعه به هر بهانه‌ای -از جمله به بهانه‌ی تفاوت قومی، زبانی، ملی، جنسیتی، مذهبی و ... - و ایستادن در مقابل هر تلاشی برای شقه شقه کردن این مبارزات و خنثی کردن این تلاش‌ها را امر خودمان می‌دانیم. و طبیعتاً- همانطور که در ابتدای قرار هم به روشنی گفته‌ایم – مسئولیت این امر بر دوش ماست اما ما در این مسیر تنها نیستیم. این امر بدون دخالت مستقیم همه‌ی فعالین کمونیست طبقه کارگر و کمونیست‌ها در صفوف زنان، معلم و دانشجویان و اقصای محروم مختلف جامعه، امکانپذیر نیست و همه را به دخالت در این امر دعوت می‌کنیم.

سونیا محمدی: سوال دیگری که از شما دارم این است که ارزیابی کلی شما درباره کلیت کنگره دهم چیست؟ کنگره و مسائل و مباحثی که در کنگره مطرح شد را چگونه دیدید؟

خالد حاج محمدی: در ابتدای صحبت‌هایم به نکاتی اشاره کردم. به قرارها و قطعنامه‌هایی اشاره کردم که یک هدف واحد را دنبال می‌کنند و آن هم تقویت موقعیت کمونیسم و تقویت موقعیت حزب ماست و تلاش برای اینکه آینده‌ی ایران را کمونیست‌ها رقم بزنند و نیروی طبقه و جنبش‌مان را حول آلترناتیو خودمان متحد کنیم. طبیعتاً هر کنگره‌ای وظایف معین خودش را دارد و رنگ آن دوره‌ی معین را بر خود دارد که کنگره در آن اتفاق می‌افتد. و تا جایی که به کنگره‌ی ما هم برمی‌گردد به طور واقعی تمام قرارها و قطعنامه‌هایی که در این کنگره مطرح شده است بر اولویت‌هایی

کنگره دهم از ارزیابی تا مبارزات جاری

مصاحبه رادیو نینا با خالد حاج محمدی

سونیا محمدی: در برنامه‌ی امروز خالد حاج محمدی از رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی) با ما هستند. ما سولاتی را در مورد کنگره حزب و ارزیابی از آن عموماً و بطور ویژه هم قرار در موارد مبارزات جاری را با ایشان در میان می‌گذاریم. ضمن خوشامدگویی به شما خالد حاج محمدی، در کنگره دهم حزب حکمتیست (خط رسمی) که اواخر ماه مارس امسال برگزار شد مباحث و قرارهایی به تصویب رسید. ابتدا بپرسم که شما معرف قرار می‌بودید به اسم ”وظایف حزب در ارتقاء مبارزات جاری”. دوست داریم جزئیات این قرار را از خود شما بشنویم و فکر می‌کنید این قرار مشخص چه وظایف خطیری می‌تواند روی میز حزب شما قرار بدهد؟

خالد حاج محمدی: من هم سلام عرض می‌کنم و ممنونم از وقتی که به من دادید. در مورد قرار می‌گویم که به آن اشاره کردید لازم می‌دانم چند نکته را بیان کنم. اولاً اگر کسی فضای سیاسی ایران را دیده باشد و مسائل و اعتراضات این جامعه‌ی را تعقیب کرده باشد، شاهد این واقعیت است که جامعه‌ی ایران یک جامعه‌ی انفجاری و اعتراضی است. سالانه شاهد هزاران اعتراض کوچک و بزرگ در ایران هستیم؛ از اعتراضات و اعتصابات کارگری تا اعتصابات معلمین، بازنشستگان، زنان، جوانان، اقصای محروم، پرستاران و غیره. به این اعتبار جامعه‌ی ایران امروز و یا در چند سال گذشته، یکی از معترض‌ترین جوامعی است که می‌توان دید. این قرار به طور مشخص بر سر این مبارزات و تلاش برای ارتقای این مبارزات است. طبیعتاً این قرار و مجموعه‌ی قرارهایی که در این کنگره به تصویب رسید، و از جمله قطعنامه‌ای که به تصویب رسید، همه اجزای متفاوت یک پدیده و جهت‌گیری عمومی حزب ماست در یک دوره تاریخی معین، برای تقویت موقعیت کمونیسم و برای پیشبرد امراتی که در دل این وضعیت کمونیست‌ها و طبقه کارگر به پیروزی نزدیک بشوند و از دوره‌ی تحولات اخیر سر بلند بگذرند. آلترناتیو کمونیستی ما این است که این جامعه از دست جمهوری اسلامی و ارتجاع داخلی و منطقه‌ای بتواند سر بلند این پروسه را طی کند. قرار مبارزات جاری و تلاش برای ارتقای آن بخشی از این قرار و قطعنامه‌های کنگره است. که همگی این جهت اصلی را دنبال میکنند.

تا جایی که به مبارزات جاری برمی‌گردد یک حقیقت وجود دارد؛ الان اگر به این اعتراضاتی که به آن اشاره کردم نگاه کنید یک پدیده در همه‌ی آنها مشهود است: این اعتراضات حول مسئله‌ی معیشت می‌چرخد. تلاش برای بهبود شرایط، مبارزه علیه فقر و بی‌حقوقی و تلاش برای داشتن یک جامعه‌ی برابرتر، انسانی‌تر و علیه استثمار و بردگی‌ای که بورژوازی ایران و حکومتش به طبقه کارگر و اقصای محروم تحمیل کرده‌اند. به این اعتبار هر کس که فضای جامعه‌ی ایران را نگاه کند، هر کس که سیمای این جامعه و اعتراضات جاری را رصد کند می‌بیند که این مبارزات عدالتخواهانه است و مهر یک عدالتخواهی سوسیالیستی طبقه کارگر را بر خودش دارد. خواهان مساوات است، خواهان رفاه عمومی است و این را می‌توان در هر مبارزه و اعتراضی دید. در نتیجه تا جایی که به ما و حزب ما برمی‌گردد تقویت این مبارزات برای ما حیاتی است. یعنی فکر می‌کنیم وضعیت و فضای اعتراضی جامعه‌ی ایران و توازن قوای میان حاکمیت و مردم به جایی رسیده‌است که هر پیروزی‌ای در هر مبارزه‌ای برای مردم ایران، برای طبقه‌ی کارگر و اقصای محروم به سکویی تبدیل می‌شود که تلاش کنند موقعیت خودشان را بهبود ببخشند و توازن قوا را به نفع خودشان عوض کنند و رژیم و بورژوازی ایران را یک قدم به عقب برانند و در عین حال مطالبات بعدی خودشان را مطرح کنند و قدم‌های بعدی خودشان را بردارند. به این اعتبار وضعیت و فضای سیاسی ایران، همچنان که در بسیاری از مباحثات قبلی ما هم آمده است، طوری است که مردم از خیر جمهوری اسلامی گذشته‌اند. جمهوری اسلامی نه از نظر اقتصادی پاسخی دارد، نه می‌تواند دورنمای روشنی در مقابل جامعه قرار بدهد و نه جامعه آمیدی برایش مانده که در چارچوب این حاکمیت بشود به مطالبات و امیالی که معترضین، از بازنشستگان تا جوانان و کارگران، زنان و غیره ، با صدای رسا فریاد می‌زنند، رسید. به همین دلیل است که می‌گوییم که مبارزات جاری با هر موفقیتی به معنای سکوی پرشی است برای طرح مطالبات دیگر و عقب راندن بیشتر حاکمیت.

در رابطه با خود این قرار: به طور واقعی نفس این مبارزات و نفس این پیروزی‌ها برای حزب ما، به عنوان حزبی که مدافع برابری در این جامعه است و به عنوان یک حزب کمونیستی، که

هم بریزند، اختلافات درونی بورژوازی حکومتی و غیر حکومتی را علیه این کمونیسم کاهش دهند و حتی ارتجاع به این امر خدمت کند. همه‌ی اینها پدیده‌هایی است که حزب ما به آن پرداخته و تلاش کرده که با یک نگاه واقع‌بینانه و عینی آنها را ببیند. موانع راهمان را می‌شناسیم و از بیان آن ابایی نداریم و فکر می‌کنیم که باید با چشمانی باز وارد این دوره بشویم و این کار را می‌کنیم. در عین حال فکر می‌کنیم که نهایتاً آن چیزی که بُرد بالایی دارد تغییر موقعیت حزب و کمونیسم است به عنوان حزب و جنبشی که می‌تواند آینده‌ی ایران را رقم بزند، می‌تواند خوشبختی به ارمان بیاورد و به بردگی پایان بدهد. به طور واقعی اگر این اتفاق در ایران بیافتد، جامعه‌ای صنعتی با سابقه‌ی چند بار انقلاب با یک پرولتاریای بزرگ، هشیار و به درجه‌ی زیادی خودآگاه و حتی بخشا متشکل، اتقاقی جهانی خواهد بود و تأثیرات آن محدود به ایران نخواهد ماند و ابعاد وسیع‌تری پیدا خواهد کرد. به همین اعتبار حساسیت بسیار بالایی به کمونیسم، خصوصاً کمونیسم نوع ما و جنبش طبقه کارگر، در آن جامعه وجود دارد. در نتیجه وضع منطقه و دخالت‌ها و مسائلی که وجود دارند همه‌ی اینها در مقابل ماست و اما فکر می‌کنم زمینه‌های واقعی و عینی بسیار جدی‌ای برای رشد این کمونیسم و بزرگ شدن ما وجود دارد. نیروی جدی‌ای در میدان است. خود حزب حکمتیست (خط رسمی) ثابت کرده است که اهل این کار است و تاریخ پر افتخاری دارد. منابع تنوریک و سیاسی بی‌شماری دارد. مراحل مختلفی را طی کرده‌است. و یک جنبش کارگری قدرتمند با کمونیسم و عدالت‌خواهی کارگری‌ای که بسیار عیان است و رنگ خودش را به همه چیز زده‌است را داریم. ارتجاع محلی و ارتجاع حاکم مجبور است بپذیرد و پرچم‌هایی بردارد که بتواند این‌ها را خنثی کند.

در نتیجه من خوشبین هستم اما فکر نمی‌کنم همه‌چیز هموار است و حداقل ما حزبی هستیم که فکر نمی‌کنیم که همه‌چیز گل و بلبل است و همه‌چیز آماده‌است. خیر، اینطور نیست. انواع و اقسام نقشه‌ها در راه است. انواع و اقسام توطئه‌ها علیه ماریخته می‌شود و تاریخ گذشته‌ی ما و تجربه قیام ایرانهم نشان داده است و ما این حقایق را در نظر داریم. و حزب ما به این آگاه و هشیار است و بر جنبش و بر بسیاری از انسانها و کمونیست‌های آن جامعه متکی است، مستقل از اینکه امروز عضو حزب ما باشند یا نه. آنها بخشی از جنبش کمونیستی و پایه‌های کمونیسم در ایران هستند. و ما همه به یک جنبش معین تعلق داریم. به همین دلیل ما برای تقویت موقعیت این حزب، بزرگ کردن آن، فراخوان به این رفقا که این حزب را انتخاب کنند، تلاش می‌کنیم. این حزب تنها حزبی است که تمام قد از کمونیسم دفاع می‌کند، از برابری و عدالت و حکومت کارگری دفاع می‌کند. و بر سر این خواسته‌ها با هیچکس سر سازش ندارد. و فکر می‌کنم که باید تعجیل کرد و این دوره را فهمید و فکر می‌کنم که کنگره دهم بسیار واقع‌بینانه روی این مسائل انگشت گذاشت.

**طبقه کارگر،
برخلاف کلیه طبقات
فرودست در تاریخ
پیشین جامعه بشری،
نمی‌تواند آزاد شود
بی آنکه کل بشریت
را آزاد کند.**

**از: یک دنیای بهتر، برنامه حزب
کمونیست کارگری – حکمتیست**

در معرفی قرار درباره بحران تخریب محیط زیست

سخنرانی امان کفا در کنگره دهم حزب



غیر قابل سکونت می‌شود، و دولت‌های حاکم از زیر مسئولیت در برابر آن شانه خالی می‌کنند. پوچی پاسخ‌های "سرمایه‌داری سبز" و غیره از پیش معلوم است.

این قرار بر همین اساس، تنظیم شده است و مشخص می‌کند که جنبشی که در مقابل تخریب محیط زیست ایستاده است، نه جنبشی فرا طبقه‌ای، بلکه بخشی از یک جنبش طبقه‌ای علیه کل این نظام تخریب‌گر است. جنبشی که در هم تنیده و حی و حاضر در تقابل کار و سرمایه‌بوده و هست. بورژوازی به این امر، به عمق و شدت این تقابل، کاملاً واقف است و همین امر است که هراسان‌شان کرده است. در ایران که هرگونه دم‌زدن از حفاظت از محیط زیست، فوراً برچسب "برانداز"، "مقابله با حاکمیت" و سرکوب و زندان، مواجه می‌شود.

علاوه بر تمامی مشکلاتی که مردم دنیا در اثر این تخریب با آن مواجه هستند، در ایران مردم با حاکمیتی روبرو هستند که نه تنها هیچ مسئولیتی را نمی‌پذیرد، بلکه با بی‌برنامگی کامل، بدنبال بدست آوردن سود هر چه بیشتر و فساد بی‌پرده، تخریب را شدت بخشیده است.

این قرار اعلام می‌کند که وظیفه ما، نه بازگو کردن و اشاعه این حقیقت که محیط زیست در حال تخریب بی‌سابقه‌ای است، بلکه در واقع، نشان دادن راه جلوگیری از این تخریب است. بندهای این قرار نیز بر این اساس تأکید دارد که اعتراضات علیه تخریب محیط زیست در ایران نیز، بخشی از این جنبش وسیع جهانی است و بخشی از مبارزه طبقه‌ای در ایران است. فراتر اینکه این مبارزات به درستی، جایگاه خاصی در مبارزات جاری دارد.

بورژوازی نیز با علم به این درهم تنیدگی مبارزات، و موقعیت و شرایط امروز ایران، سعی دارد تا با توسل به آن، تفرقه در صفوف معترضین را دامن زند. این قرار بر مقابله جدی با این سوء استفاده نیز تأکید دارد.

هرجا اتحاد کارگران و آگاهی آنها

نسبت به اینکه اعضاء یک طبقه

جهانی اند تقویت میشود، هرجا

کمونیسم بعنوان دورنمای انقلاب

کارگری در میان کارگران رسوخ

میکنند و با هر رفیق کارگری که به

کمونیسم و به محافل و سلول‌های

کمونیستی کارگران نزدیک میشود،

یک گام به انقلاب کمونیستی

نزدیک تر شده ایم. سلول‌ها و

محافل کمونیستی کارگری که امروز

تشکیل میشوند، فردا کانون‌های

رهبری انقلاب کارگری و پایه‌های

قدرت حکومت کارگران را تشکیل

خواهند داد.

منصور حکمت

در ادامه قرار مصوب کنگره نهم، این قرار در رابطه با تخریب محیط زیست است که من در اینجا معرف آن هستم. اجازه بدهید بر نکات زیر تأکید کنم. از یکطرف ما با موجی از تبلیغ مواجه هستیم که گویا مسئله تخریب محیط زیست، امری جدید و امروزی است که مارکسیست‌ها در موردش هیچ اظهار نظری نکرده‌اند و در این دوره هم در مورد مبارزه علیه آن، فعالیت جدی نداشته‌اند. با اینکه گویا کمونیسم کارگری عقب افتاده است و یک بدهکاری دارد و بایستی به آن بپردازد.

از همان ابتدا، انگلس در جایی صحبت از این میکند که در نقد اقتصاد سیاسی، موقعی که به مسئله طبیعت پرداخته می‌شود، بورژواها دیدگاه خود را در مورد طبیعت هم، همان تصویر سرمایه‌دارانه‌شان را، بگونه‌ای ازلی و ابدی، بمثابه دیدگاه انسان‌جایی زنده. اینجا هم همچون همه عرصه‌های تولید، توزیع و مبادله و غیره، طبیعت را هم از همان زاویه تولید سود می‌بیند. در عین حال مذاهب هم، به شما می‌گویند که انسان اشرف مخلوقات است، و همه چیز در خدمت انسان است. حیوانات و قربانی کردن آنها، زمین و خلاصه و همه چیز و همه چیز "مال" انسان و برای انسان است.

مارکس اشاره می‌کند که ذات یک ماهی که در آب شنا می‌کند، همان آب است. وقتی که آب را با کشتیرانی وسیع، با در اختیار گذاشتن آن در اختیار تولید صنعتی بزرگ، با ارائه آن بمثابه راه "ارزان" خلاصی صاحبان صنایع از انواع مواد شیمیایی، با هزار نوع زباله و مواد سمی آلوده می‌کنند، نه فقط آن آب بلکه آن ماهی را هم نابود می‌کنند. به عبارتی دیگر، سرمایه‌داری بدنبال سود، نه فقط کارگر و زندگی‌اش، نه فقط امروز، بلکه آینده و انسان و همه و همه را نابود می‌کند. برخلاف تبلیغات بورژواها که گویا مارکس و مارکسیسم، تنها مربوط به تولید و توزیع است، و چنین وانمود می‌کنند که شروع توجه و دفاع از محیط زیست متعلق به دهه ۶۰ و ۷۰ قرن گذشته است، و یا اینکه آگاهی به تخریب محیط زیست را به رشد گلوبالیسم دهه ۹۰ و اوایل این قرن گره می‌زنند، در دنیای واقعی، ماتریالیسم و دیالکتیکی که مارکس بر اساس آخرین دستاوردهای علمی زمان خودش، در مورد طبیعت، اکولوژی و علیه تخریب محیط زیست بکار برده است، سرشار از نکاتی است که هنوز مبنای جدی و قابل اتکا در بسیاری از مراکز و مراجع علمی و بین‌المللی است. تاریخا هم حتی این بلشویک‌ها بودند که در فرادای پیروزی انقلاب ۱۹۱۷، اعلام کردند که تمامی جنگل‌ها بخشی از ثروت جامعه و مالکیت اشتراکی مردم است. کمونیسم کارگری، کمونیسمی که جلوگیری از تخریب محیط زیست، مقابله با این بیگانگی انسان از طبیعت را، به پایان دادن به این نظام تولید بر مبنای سود سرمایه‌داری گره زده است، مسلماً هیچ بدهکاری در این رابطه ندارد.

شکی نیست که انسان، بعنوان یک موجود جاندار، تنها با طبیعت معنی پیدا میکند. انسان بخش ارگانیکی، و طبیعت، همان بخش غیر ارگانیکی انسان است، و بدین معنی رابطه انسان با طبیعت همانند رابطه طبیعت با خودش است. بدون طبیعت، اصلاً انسانی وجود ندارد. نظام سرمایه‌داری اما، برای تولید سود با استثمار انسان، زمین، و ... حتی هر آنچه آینده‌نام دارد را نیز از بین می‌برد. برخلاف تبلیغات بورژوازی، پیشرفت انسان، مترادف با نابودی طبیعت نیست. این امر چه در چند صد سال پیش که جنگل‌های مکزیک را برای کاشت قهوه نابود کردند، درخت‌های کاج کوه‌های آلپ را برای تهیه سوخت تیشه می‌زدند و چه در این سالهای اخیر که جنگل‌های آمازون را برای کاشت سویا "مسطح" می‌کنند، صادق است. در مقابل ادعاهایی چون "جلوگیری از رشد جمعیت"، یا "کاهش مصرف"، "کاهش انرژی برای تولید کالاها" در بازار، و یا "جلوگیری از پیشرفت علم و تکنولوژی" و غیره، کمونیسم کارگری، پاسخ‌های واقعی برای جلوگیری از این تخریب را دارد. از دریچه این کمونیسم، پیشرفت انسان خود منوط به نجات طبیعت از تخریبی است که سرمایه به آن دامن زده و می‌زند. تولید و توزیع و تمام روابط موجود در این نظام سرمایه‌داری، همراه خود آلودگی عمومی، از بین بردن فرصت کافی برای اینکه حتی زمین امکان باز تولید مواد لازم برای کشاورزی و محصول را داشته باشد و هزاران مشکل و مانع را بوجود آورده و می‌آورد. به این ترتیب، تنها راه نجات طبیعت و آینده انسان، با از بین بردن این حاکمیت سرمایه، مالکیت خصوصی و کار مزدی میسر است.

در دنیای امروز، این تخریب به حدی رسیده است که ما همراه با افزایش درجه حرارت کره زمین، شاهد آب شدن یخ‌های قطب‌های زمین، سرما، برف و طوفان در مناطق گرمسیر، و خشکسالی و سونامی و انواع "مخاطرات طبیعی" هستیم. به راحتی اعلام می‌کنند که بخش‌هایی از مثلاً خاورمیانه در عرض چند سال آتی،

تروریسم" ربطی نداشته است. مردم در همین جوامع غربی الان تورم ۸ درصدی و بیشترین نالیمنی اجتماعی را بعد از جنگ جهانی دوم تجربه می‌کنند. به موازات هر بمبی که اینها روی سر مردم خاورمیانه ریختند، به موازات هر بولدوزری که ماشین جنگی دولت اسرائیل به سمت منازل مسکونی فلسطینیان سرازیر کرده است، در قلب جوامع غربی هم دولت‌های دستراستی با حربه ریاضت اقتصادی در واقع فقر و مرگ تدریجی را به شهروندان خود تحمیل کردند. فشار کمرشکن اقتصادی و فقری که امروز در جوامع غربی هست بعد از جنگ دوم جهانی سابقه نداشته است و مردم این تعرض گستاخانه به سطح معیشت را اکنون به طور ملموس تجربه می‌کنند.

امروز در هر نقطه دنیا، مردم پی برده‌اند که گرفتن هر حق و مطالبه‌ای از جمله پایان‌دادن به میلیتاریسم و بحران اقتصادی و بازگرداندن امنیت به جوامع، امر هیچ نیروی مافوق جامعه نیست بلکه باید از پایین و توسط قدرت طبقه کارگر و بشریت مترقی به کرسی بنشینند. عمر توهم به چشم‌دوختن به بالا و به دولت‌ها و به سازمان ملل تمام شده است؛ تنها جنبشی می‌تواند هر مطالبه انسانی را به دولت‌های بورژوایی و حاکمان امروز تحمیل بکند که قدرت بسیج توده‌ای از پایین را دارد و به اهرم‌های قدرت در پایین جامعه متکی است. همین جنبش می‌تواند صفوف حاکمان در بالا را در هم بشکند و ابزارهای قدرت حاکمان را به تصرف خود درآورد. بنابراین، خواست برچیدن ماهیت آپارتاید قومی دولت اسرائیل و پایان دادن به ستم کور قومی - مذهبی در فلسطین تنها می‌تواند امر این جنبش رادیکال باشد که از خاورمیانه تا جوامع غربی را به هم وصل کرده است و در،" قرار "بعنوان یکی از مهمترین پارامترهای امروز بدان اشاره شده است.

به هر حال این جنبش و این فشار برای حل مسئله فلسطین از پایین، یک فشار واقعی و یک نیروی مادی واقعی است که امروز نمی‌توان دست‌کم‌اش گرفت و هر تکان این جنبش رادیکال و مترقی در هر گوشه خاورمیانه، بلاواسطه سیاست مداخلات دولت‌های غربی و ماشین جنگی دولت اسرائیل را نشانه می‌گیرد و ماهیت فاشیستی این دولت را در منگنه افکار عمومی جهان قرار می‌دهد.

قرار در آخر تاکید می‌کند که حزب ما خودش را بخشی از مبارزه این جنبش بشریت مترقی در دنیا می‌داند که از پایین و با توسل به قدرت طبقه کارگر خواستار برچیدن سیاست آپارتاید قومی دولت اسرائیل و پایان‌دادن به این دمل چرکین ستم ملی در حق مردم فلسطین است. حزب ما هر جا که بتواند در مقابل سوءاستفاده ارتجاع جمهوری اسلامی و نیروهای نزدیک به آن در مسئله فلسطین، می‌ایستد. حزب، تمام راه حل‌های ارتجاعی و تبلیغات فاشیستی با برچسب‌های مذهبی و قومی مانند، "مسلمان" و "عرب" یا "یهودی" و "اسرائیلی" را افشا می‌کند و مردود اعلام می‌کند.

حزب ما هر نوع دیپلماسی مخفی و رسمی دولت‌ها و احزاب سیاسی که از سیاست فاشیستی دولت اسرائیل به بهانه "آنتی سیمیتیسم" دفاع می‌کنند را یک سیاست دستراستی می‌داند که نتیجه‌اش تداوم بی‌حقوقی مردم فلسطین است.

و نهایتاً در کنار طبقه کارگر جهانی راه حل حزب ما همان‌گونه که در قرار هم یک‌بار دیگر تاکید شده است: برسیمت شناختن دولت مستقل فلسطینی با حقوقی یکسان و برابر با سایر دولت‌های دیگر برای پایان دادن به این آپارتاید قومی دولت اسرائیل و خاتمه دادن به شکاف و تبعیض کور ملی میان مردم فلسطین و مردم اسرائیل است.



قرار مصوب کنگره دهم "حزب حکمتیست (خط رسمی) و مسئله فلسطین"

گفتگوی رادیو نینا با فواد عبداللهی از رهبری حزب

این واقعیت به داده ذهنی هر شهروندی در جوامع خاورمیانه تبدیل شده است، که اگر می‌خواهید روزنه‌ای از تغییر در این منطقه ایجاد بکنید باید کل این ساختار قومی - مذهبی دولت‌های مرتجع در خاورمیانه که محصول جهان تک‌قطبی بعد از جنگ سرد است را از قدرت پایین بکشید تا قادر باشید تازه نفس بکشید و خطوط آینده را ترسیم بکنید. این جنبش رادیکال به طور وسیع از سال ۲۰۱۸ به این‌سو از لبنان تا عراق و اردن و حتی در خود جامعه اسرائیل علیه دولت‌های به اصطلاح "خودی" عرض اندام کرده است و عملاً کفه ترازو را به ضرر سیاست دولت‌های مرتجع منطقه که یکی از آنها دولت آپارتاید قومی اسرائیل است، عوض کرده است.

در حقیقت، همین مولفه است که امروز چوب لای چرخ ادامه مداخلات دولت‌های غربی و سازمان ملل با دولت فاشیست اسرائیل انداخته است. قدرت این جنبش است که اجازه نمی‌دهد از یک‌طرف نیروهای مرتجع اسلامی وابسته به ایران و از طرف دیگر ارتجاع ناسیونالیسم عربی، بیش از این در شکاف قومی که میان مردم فلسطین و مردم اسرائیل ایجاد شده است، کماکان مثل قبل مانور بدهند و سوءاستفاده بکنند.

فاکتور بعدی، پا گرفتن یک جنبش سکولار و چپ در خود فلسطین است که هیچ‌کدام از آن نیروهایی که سنتا خودشان را نماینده مردم فلسطین جا می‌زدند، مانند سازمان فتح، حماس یا حزب الله و غیره ... به رسمیت‌شان نمی‌شناسد. سال ۲۰۱۹ اخباری به بیرون درز کرد که موساد با همکاری سازمان‌های اسلامی و سازمان فتح شروع به شناسایی و ربودن فعالین این جنبش سکولار و چپ در فلسطین و تعداد زیادی از سخنگویان و فعالین میدانی آنها کردند و هنوز هم تحت تعقیب و شناسایی هستند.

دفعم از بازگو کردن این رویدادها اینست که بگویم که در این دوره، اینها تغییرات اساسی هستند که دنیای عرب و افکار مترقی در خود جامعه اسرائیل را حول ضدیت با سیاست آپارتاید قومی دولت اسرائیل و کشمکش با دولت‌های مرتجع منطقه، قطبی کرده است و پاسخ به حل فوری مسئله فلسطین را امروز برجسته کرده است. این جنبش سکولار و مترقی برای حل مسئله فلسطین طبیعتاً بازتاب جهانی هم داشته است. به موازات عروج جنبش‌های اعتراضی وسیع در خاورمیانه، در جوامع غربی نیز انزجار از ماهیت آپارتاید قومی دولت اسرائیل به یک داده تبدیل شده است و از دولت اسرائیل به عنوان یک دولت آپارتاید قومی اسم می‌برند؛ بعضاً فشار همین جنبش باعث شده است که نهادهای بین‌المللی مانند، "امنستی اینترناشنال" "خواستار محاکمه این دولت به دلیل بیش از نیم‌قرن تحمیل آپارتاید قومی در حق مردم فلسطین بشوند.

وسیع‌ترین تظاهرات‌های خیابانی را در ظرف چند سال اخیر علیه سیاست آپارتاید قومی دولت اسرائیل شاهد بودیم. حتی بخش‌هایی از طبقه کارگر جهانی در آمریکا و ایتالیا در صف مقدم این مبارزه ایستادند و از بار زدن محموله‌های جنگی و فروش اسلحه توسط دولت‌های غربی به دولت قومی اسرائیل سر باز زدند.

یکی دیگر از پارامترها، تکان خوردن یک جنبش عظیم ضد ساختار در جوامع غربی است که همه‌چیز را به زندگی خودش مربوط می‌داند. جنبشی که دیگر حقایق جهان را از دریچه رسانه‌های جنگی در غرب نمی‌بیند؛ جنبشی است که بیش از این تسلیم فضای ضد حقیقت نمی‌شود که توسط رسانه‌ها و دولت‌های غربی بعد از جنگ سرد رسماً میدان‌دار شدند. جنبشی است که از ویکی‌لیکس‌ها خط می‌گیرد و صدها و هزاران فعال و اکتیویست بدون مرز دارد که حقایق را از دریچه دیگری برای مردم جهان توضیح می‌دهند و آگاه‌گری می‌کنند.

کلا این آپارتوس و این مدل جهانی حاکمیت سرمایه که توسط رسانه‌های غربی و دول غربی بعد از جنگ سرد ایجاد شد امروز از چشم شهروند جوامع غربی از مشروعیت افتاده است. دنیا دید که اینها چگونه طالبان را دوباره در افغانستان سر کار آوردند؛ دنیا متوجه شده است که جنایات اینها در جنگ عراق، لیبی و در منطقه خاورمیانه و همچنین جنایات دولت قومی اسرائیل در حق مردم فلسطین، سر سوزنی به ادعاهای اینها حول "مبارزه با

سولیا محمدی: یکی از قرارهایی که در کنگره دهم حزب تصویب شده است و شما معرف آن بودید، قرار مربوط به "مسئله فلسطین" است. اهمیت این قرار با توجه به برهه زمانی امروز چیست و چرا مسئله فلسطین به یکی از قرارهای حزب در کنگره تبدیل شد؟

فواد عبداللهی: قرار مصوب کنگره دهم، "حزب حکمتیست (خط رسمی) و مسئله فلسطین" به پارامترهایی اشاره می‌کند که در شرایط امروز تعیین کننده هستند. برای پاسخ دادن به حل مسئله فلسطین و خاتمه دادن به شکاف قومی میان مردم اسرائیل و مردم فلسطین تعیین کننده هستند؛ و ما در این قرار سعی کردیم که با برجسته کردن این شرایط جدید، هم‌زمان نشان بدهیم که برای حل مسئله فلسطین، توجه به این پارامترها اساسی هستند.

اجازه بدهید اول نکته‌ای را به عنوان مقدمه بحث طرح کنم و مقداری منظره را بزرگتر بکنیم.

یک تاکید کمونیسم کارگری و جریان ما بعد از جنگ سرد و تبلیغات ضد کمونیستی که معروف بود به، "پایان تاریخ و پیروزی دمکراسی غربی"، این بود که این‌گونه تبلیغات و تعرض‌ها علیه کمونیسم و طبقه کارگر بُرد درازمدت نخواهد داشت و ورق در کوتاه‌مدت برمی‌گردد؛ گفتیم که این به اصطلاح آپارتوس "دمکراسی غربی" و پارلمانتاریسم بعنوان شیوه اداره جامعه بشری، از دید مردم جهان زیر سوال می‌رود و تاریخ مصرف مشخصی خواهد داشت؛ این دورنما را ما همان موقع بعد از فروپاشی دیوار برلین پیش‌بینی کردیم. امروز دیگر نیازی به روشن‌گری در اینباره نیست و همه می‌بینیم که دمکراسی غربی و نظام بازار دچار چه بن‌بست سیاسی و بحران اقتصادی در دل همین جوامع غربی شده است. تمام آن تبلیغات ضد کمونیستی رسانه‌ها و "بازار بازار" گفتن‌های آنها امروز برای بنی‌بشری در همین جوامع غربی خریدار پیدا نمی‌کند و به عبارتی از مشروعیت افتاده است. امروز نالیمنی وسیع اجتماعی و جنگ کور اقتصادی نه فقط در پشت مرزهای اروپا و آمریکا که در دل جوامع غربی ریشه دوانده است؛ گرانی و تورم به ۸ درصد رسیده است؛ به مردم اعلام کرده‌اند که میان دو گزینه برای انتخاب، یعنی، "خوردن" یا، "گرم کردن منازل" یکی را انتخاب کنید!!

ما بعد از فروپاشی شوروی و لهله بورژوازی جهانی علیه طبقه کارگر، گفتیم که تمام معضلات اقتصادی و سیاسی که سرمایه‌داری بازار بعد از جنگ سرد سعی می‌کرد که ظاهراً تمام‌شده تلقی کند و به افکار عمومی القاء کند که "دیگر رقابت و جنگی در کار نیست" و "دنیا وارد دوره امنیت و رفاه شده است"، نشان دادیم که این دورنما واقعی نیست و بحران‌ها، رقابت‌ها و جنگ‌های سرمایه‌داری در راهند، شدیدتر از قبل عمل خواهند کرد و جهان را به ورطه نابودی خواهند کشاند. سعی کردند که زندگی در این شرایط سیاه و نالیمن پس از جنگ سرد را با لشکرکشی نظامی و بره انداختن جنگ‌های قومی - مذهبی در خاورمیانه و هم‌زمان با تحمیل حربه ریاضت اقتصادی به مردم در جوامع غربی، نرمالیزه بکنند که نتوانستند. امروز دنیا از رخت دهه نود بیدار شده است و مشروعیت "دمکراسی غربی" زیر سوال رفته است. کل بحران‌های قدیم دوباره سر باز کرده‌اند و راه حل می‌خواهد و به یک معنی، بشریت دنبال راه حل است.

یکی از این بحران‌ها همین مسئله فلسطین است که دوباره سر باز کرده است و پاسخ می‌خواهد؛ افکار عمومی جهان، بیش از این برای نرمالیزه کردن سیاست جنگی در جهان و به این اعتبار مداخلات دولت‌های غربی با دولت آپارتاید قومی در اسرائیل، تره خورد نمی‌کند و ادامه دادن به این آپارتاید قومی دولت اسرائیل در حق مردم فلسطین را تحت هر توجیهی دیگر قبول نمی‌کند.

به طور مشخص‌تر اگر کمی بیشتر روی قرار زووم بکنیم، ما از کنگره قبل حزب یعنی از سال ۲۰۱۸ به این‌سو، شاهد یک سلسله تغییرات اساسی در جغرافیای سیاسی دنیای عرب و همچنین شاهد اعتراضات وسیعی در خود جامعه اسرائیل بودیم؛ جنبش‌های اعتراضی وسیعی حول شرایط وخیم اقتصادی و سیاسی حاکم در این جوامع شکل گرفتند که اساساً استخوان‌بندی این جنبش‌ها روی ضدیت با دولت‌های مرتجع به اصطلاح "خودی" بوده است. امروز

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی

تری را دستور کار خود کند. اگر قبلاً موضوع این بود که با گسترش نفوذ حزب و جذب رهبران کارگری در سطح وسیع، سراغ سازماندهی آلترناتیو قدرت سیاسی برود، تصمیم بر این شد که این هدف را در دوره و در دل سازماندهی شوراها و ارگانهای اعمال اراده توده ای پیش ببرد.

آنچه که برای کنگره می ماند، یک تصمیم تاریخی بود. و آن چیزی نبود جز تدقیق و روشن کردن تایید مسیر حرکت و در نهایت رای یکدست به تصمیم در پیش گرفتن تامین ملزومات پیروزی یک انقلاب کارگری علیه جهنم امروز.

از این زاویه، کنگره ما کنگره انقلاب کارگری بود. از این زاویه، این حزب باید به این کنگره بالاتر درجه تاریخ حیات خویش را تقدیم کند.

در خاتمه این پاسخ به سوال نشریه "کمونیست ماهانه" علاقمندم به چند نکته اشاره کنم؛

بعضی مخالفین عوامفریب ما، با اشاره به سباز تشکیلات خارج این حزب (که البته این هم با سباز حزب و سازمان و گروه خودشان مطلقاً قابل قیاس نیست)، وزن سیاسی ما در جامعه را کوچک می شمارند و بلندپروازی ما را به بازی میگیرند. در پاسخ این تبلیغات چپ میخوام بگویم که این حزب داخل کشوری ترین جریان سیاسی چپ رادیکال در این کشور است. به لحاظ سیاسی، این جریان تنها سازمان چپ در این کشور است که سازماندهی انقلاب کارگری برایش نه یک آرمان در دور دست، که یک نقشه در دست برای همین امروز است. این حزب تنها موجود سیاسی چپ در این کشور است که سازماندهی شورا به امید سر رسیدن شرایط انقلابی بایگانی نکرده است. این حزب تنها جریان چپ است که حاکمیت شورایی برایش در عمل فقط یک شعار نیست. این حزب تنها جریان چپ رادیکال است که سازماندهی کارگر برایش سربازگیری برای جنبش های دیگر نیست. "بدتر" از این، "خط رسمی" امروز فقط یک برند سیاسی نیست، یک رگه در اعتراض کارگر صنعتی، یک سنت جا افتاده در سازماندهی کارگری و یک افق سیاسی برای جنبش این طبقه هم هست. نتیجتاً کمونیست جدی این جامعه برای پیوستن به این حزب باید تعجیل کند! نه فقط این بلکه کسانی هم که پیروزی انقلابی را محصور حضور یک حزب پیشتاز کمونیستی میدانند، ایستادن کنار گود جایز نیست!



ربطی به شرایط سیاسی اجتماعی نداشته و تشکیل این حزب از روز اول، برای همین امر بوده است. این حزب جزو آنهایی نیست که امر سازماندهی انقلاب کارگری را به بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، به باز شدن فضای سیاسی و تغییر در توازن قوا و رسیدن به شرایط ویژه ای حواله دهد. برای ما سازماندهی انقلاب کارگری الویت هر روزه بوده و امری است که در کل فعالیت سیاسی ما نه فقط انتگره، که گرانگای تمام سوخت و سازهای سیاسی ماست.

تعیین مرحله اعلام آلترناتیو حکومتی و تبدیل آن به امر روز هم نمی توانست هدف کنگره باشد. رهبری حزب به دنبال تغییر در تناسب قوای طبقاتی در سیاست ایران، بیدرنگ کنگره سراسری شوراها و سازماندهی آن در مرحله فعلی را در دستور خود و جامعه قرار داد. اسناد پایه ای آن را تدوین و مشغول طرح ریزی برای این امر شد. حساسیت دوره سیاسی فعلی و امر خطیر بودن آن هم نیازی به دستوری در کنگره برای روشن کردن ما نبود، چون رهبری این حزب از قبل متوجه دو فاکتور مهم در جامعه شده بود؛ فاکتور اول خطیر بودن این دوره است؛ جامعه به این نقطه رسیده که برای همیشه از این نظام قطع امید کرده و به فکر تغییر بنیادی است. طغیان های آبان و دیماه سالهای گذشته، این پیام را به هر سیاسی کار فیهمی گوشزد کرده بود. فاکتور دوم پیشقدم شدن طبقه کارگر و متحدین آن در صف معلمین و بازنشستگان برای تبدیل این دوره به دوره سازماندهی جنبشی خویش بود و است. همین امر یک عدالتخواهی کارگری را به پرچم تحولات این دوره تبدیل کرده است. محصول این تصمیم رهبران جنبش های اجتماعی و جنبش پشت سر آنها، تسریع پلاریزاسیون طبقاتی است، که در متن آن ناراضی های طبقه حاکمه به جبهه بورژوازی هوادار غرب می پیوندند و طبقه کارگر و محرومان جامعه مشغول تقویت جنبش خویش حول مطالبه معیشت و امنیت و آزادی اند. به یمن روشن بینی رهبری این حزب، کنگره ما در دستور گذاشتن هیچکدام از این فاکتورهای سیاسی را لازم نداشت. کنگره حتی لازم نداشت تا برای روشن کردن الویت های تاکتیکی حزب را در دستور بگذارد، چون رهبری حزب از قبل متوجه این امر شده بود که باید پروژه های قدیمی را کنار گذاشته و سازماندهی فوری و فوئی ضروری

در مورد کنگره دهم حزب حکمتیست (خط رسمی)

با محمد فتاحی

کمونیست ماهانه: کنگره دهم حزب حکمتیست (خط رسمی) برگزار شد. کنگره مجموعه ای قرار و قطعنامه را به تصویب رساند. شما از نمایندگان کنگره بودید، چه ارزیابی از کنگره دارید؟ آیا توقعاتی که از کنگره داشتید برآورد شده؟

محمد فتاحی: علاقمندم قبل از هر چیز درجه فواق العاده رضایت از برگزاری کنگره پشت درهای بسته، را ابراز کنم. به دلیل شرایط کرونایی، نه فقط کنگره ما با تاخیر قابل توجهی روبرو شد، بلکه رهبری حزب هم منهای جمعی از رفقای کمیته رهبری، در تمام این مدت از برگزاری یک تک جلسه حضوری و بدور از دنیای مجازی محروم شده بود. نتیجتاً من و رفقایم در کمیته رهبری حزب، بحث ها و مشورت های مهمی لازم داشتیم که در دنیای مجازی غیرقابل طرح بودند. بعلاوه در هیچ جلسه آنلاین قادر به یک ارزیابی مشترک از کارمان در جامعه نبودیم. کنگره پشت درهای بسته و با شرکت فقط نمایندگان تشکیلات ها و دو هیئت از حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری کردستان، به ما اجازه داد تا تمام بحث های نکرده مان را در حضور هم و بدور از حتی میکروفون، پیش ببریم. به عنوان احساس شخصی، بیشترین لذت من برای این بخش از مباحث رسمی و غیر رسمی بود.

اما در مورد وظایف سیاسی کنگره و درجه موفقیت آن هم باید به معیار ارزیابی پرداخت. در کنگره احزاب سیاسی، معیار ارزیابی از درجه موفقیت یک کنگره به هدف برگزار کنندگان آن بستگی دارد. در شرایط بحرانی یک جریان سیاسی، کنگره ابزاری برای حل آن مسئله و عبور کم ضرر از آن است. حزب ما از این زاویه، به دلیل اتحاد عمیق آن حول اهداف خویش، نیازی به در دستور گذاشتن چنین موضوعی نداشت. کنگره جریان دیگری میتواند تعیین ریل جدیدی در سرنوشت آن باشد. حزب ما از روز اول روی همان ریل حرکت کرده و نیازی به دستور کردن این موضوع نداشت. برای بعضی ها، تعیین الویت و روشن کردن مسیر حرکت، هدف کنگره است. برای ما چنین دستوری نمی توانست به ذهن کسی هم برسد، چون الویت ما از قبل نه برای خودمان بلکه برای رقیبا و دشمنان مان هم روشن بود. الویت ما سازماندهی انقلاب کارگری و خلع ید از طبقه حاکمه است. تعیین این الویت نزد ما

آزادی بشر از نظر بورژوازی، در اساس، آزادی استثمار کردن و استثمار شدن است. آنجا هم که پای حقوق بشر به میان کشیده میشود در بهترین حالت حقوق سیاسی مشروط و محدودی تصویر میشود که استفاده از آن برای اکثریت کسانی هم که شامل آن شده اند ممکن نیست. آزادی و برابری با انقیاد اقتصادی متناقض است. حقوق بشر سرمایه داری با مسکوت گذاشتن این واقعیت نمیتواند پاسخگوی نیاز انسان باشد. بیانیه حقوق بشر تضمین کننده آزادی و برابری انسانها نیست. ابزار جلوگیری از طغیان مردم آزادیخواه و برابری طلب است. وسیله ای برای ممانعت از جلب مردم و متفکرین و آزادیخواهان به ابعاد عمیقتر حقوق بشر و درک تناقض حقوق انسان با ماهیت نظام سرمایه داری است. مزب کمونیست کارگری - حکمتیست با انتشار بیانیه حقوق جهانشمول انسان تصویر روشنی از مبنای حقوق انسان را بدست میدهد. مزب کمونیست کارگری - حکمتیست این حقوق را حقوق همه انسانها در هر نقطه جهان میداند و برای تحقق آن میکوشد.

بیانیه حقوق جهانشمول انسان

کنگره تمام قطعنامه و قرارهای در دستور خود را به تصویب رساند. مباحثات و مصوبات کنگره بزودی در دسترس عموم قرار خواهند گرفت.

کنگره در پایان ۲۵ نفر را بعنوان اعضای کمیته مرکزی حزب و یک نفر را بعنوان علی البدل انتخاب نمود.

اعضای کمیته مرکزی منتخب کنگره دهم حزب عبارتند از: احمد بهزاد مطلق، آسو سهامی، آذر مدرسی، آزاد کریمی، آروین (حسین) مرادی، آسو فتوحی، امان کفا، بابک امانی، پرویز وکیلی، ثریا شهابی، جمیل نظرگاهی، خالد حاج محمدی، سهند حسینی، سیوان رضایی، سونیا محمدی، فارس محمود، فرید ضرام، فواد عبداللهی، کوشا بهروش، لادن داور، محمد راستی، محمد فتاحی، مظفر محمدی، مونا شاد، وریا نقشبندی. آرام خوانچه زر بعنوان عضو علی البدل کمیته مرکزی انتخاب شد.

آنچه در این کنگره برجستگی داشت، دخالت رفقای نماینده، هم جتهی بسیار بالای شرکت کنندگان در کنگره، از نمایندگان تا مهمانان و هیئت های دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان و پیام های ارسالی از جمله پیام های تشکیلات و رفقای مختلف ما در ایران بود. کنگره پس از دو روز بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری در فضایی گرم و پرشور با سرود انترناسیونال با موفقیت به کار خود خاتمه داد.

پس از کنگره، کمیته مرکزی منتخب در اولین اجلاس خود دبیر کمیته مرکزی و اعضای کمیته رهبری را انتخاب کرد. آذر مدرسی به اتفاق آراء بعنوان دبیر کمیته مرکزی و آسو فتوحی، امان کفا، ثریا شهابی، خالد حاج محمدی، سهند حسینی، فواد عبداللهی، محمد فتاحی و مظفر محمدی به اتفاق آراء بعنوان اعضای کمیته رهبری انتخاب شدند. کمیته رهبری در اولین نشست خود خالد حاج محمدی را با اتفاق آراء به عنوان دبیر کمیته رهبری انتخاب کرد.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

۲۸ مارس ۲۰۲۲ - ۸ فروردین ۱۴۰۱

اطلاعیه پایانی کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

سپس پیام های رسیده به کنگره از جمله پیام رفیق ریوار احمد عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری کردستان، پیام های تشکیلات ها و فعالین و اعضا حزب و ... در ایران، که به کنگره رسیده بود، قرائت شد.

مباحثات کنگره از سخنرانی افتتاحیه تا گزارش و مباحثاتی که حول قرار و قطعنامه ها انجام شد، اساسا بر روی کارکرد حزب در فاصله دو کنگره، نقش و جایگاه حزب در این دوره، تحولات جامعه ایران از اعتصابات وسیع کارگری تا اعتراضات معلمان، بازنشستگان، زنان، جوانان و اقشار مختلف مردم محروم و توازن قوای موجود میان جمهوری اسلامی و پایین جامعه، نقش طبقه کارگر و کمونیسم در این دوره و فضای آزادیخواهانه جامعه و همچنین ناتوانی و بن بست های اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی بود.

کنگره بر جایگاه مهم طبقه کارگر، پیشروی این جنبش و گرایش کمونیستی این طبقه، آلترناتیو حزب ما برای جایگزینی جمهوری اسلامی، تلاش حزب برای تامین هژمونی کمونیسم و نقش و جایگاه حزب و اهمیت و انتظار واقعی از حزب در تحولات آتی، و بعلاوه بر موانع و جدال های جدی و واقعی بر سر راه تاکید کرد.

کنگره همچنین در مورد معضلات جدی محیط زیست و تغییرات اقلیمی و پوچ بودن و فریبکارانه بودن راه حل های بورژوازی و معضلات جدی این مهم برای مردم ایران، به مسئله فلسطین و راه حل ما در این شرایط ویژه نیز تاکید کرد. کنگره بعلاوه و خصوصا در سخنرانی افتتاحیه دبیر کمیته مرکزی در مورد حمله روسیه به اوکراین، دلایل آن، زمینه های آن و تعرضات و نقشه های ناتو و آمریکا در این خصوص و قیل از جنگ، به عواقب جنگ و همچنین به اقدامات و پروژه های ارتجاعی، ضد انسانی، ضد کارگری و ضد کمونیستی که دول غربی و جریانات راست که به بهانه این جنگ در دستور دارند و نقش میلیتاریسم و ناتو و میدیای رسمی آنها تاکید کرد. کنگره همچنین به نقش نیروهای راست در این دوره و پرچم های ضد کارگری آنها و تشدید تبلیغات ارتجاعی، ناسیونالیستی و ضد کمونیستی آنها بعد از ماجرای اوکراین و ضرورت مقابله جدی حزب و کمونیست ها با آن تاکید کرد.

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) با شرکت اکثریت نمایندگان و دو هیئت از حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری کردستان در روزهای ۲۶ و ۲۷ مارس ۲۰۲۲ (۶ و ۷ فروردین ۱۴۰۱) در کشور سوئد برگزار شد.

کنگره پس از گزارش هیئت نظارت بر انتخابات، اعتبارنامه نمایندگان را تصویب کرد، سپس آئین نامه و دستور جلسه کنگره به تصویب نمایندگان کنگره رسید. کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و سخنرانی افتتاحیه آذر مدرسی، دبیر کمیته مرکزی حزب، رسماً کار خود را آغاز کرد.

دستور جلسه کنگره عبارت بود از:

- ۱- گزارش کمیته مرکزی
- ۲- قطعنامه درباره: اوضاع سیاسی و آلترناتیو کمونیستی
- ۳- قرار درباره: حزب حکمتیست (خط رسمی) و اپوزیسیون راست در تحولات آتی
- ۴- قرار درباره: نقش کردستان در تحولات آتی ایران
- ۵- قرار درباره: وظایف حزب حکمتیست (خط رسمی) در ارتقاء مبارزات جاری
- ۶- قرار درباره: بحران تخریب محیط زیست
- ۷- قرار درباره: حزب حکمتیست (خط رسمی) و مسئله فلسطین
- ۸- قرار درباره: ضرورت همکاری سه حزب کمونیستی کارگری در تقابل با تأثیرات مخرب جنگ اوکراین

پس از سخنرانی افتتاحیه دبیر کمیته مرکزی، پیام حزب کمونیست کارگری عراق از طرف رفیق فارس محمود، معاون دبیر کمیته مرکزی حزب، و پیام حزب کمونیست کارگری کردستان توسط رفیق دشتی جمال، عضو دفتر سیاسی حزب به کنگره ارائه شد.

ملیت برخلاف جنسیت مخلوق طبیعت نیست، مخلوق جامعه و تاریخ انسان است. ملیت از این نظر به مذهب

شبهه است. اما برخلاف تعلق مذهبی، تعلق ملی حتی در سطح فرمال هم انتخابی نیست. بعنوان فرد

نمیتوان به ملیت خاصی گروید و یا از آن برید. (هرچند برخی محققین ملت و ملی گرایی چنین تعبیر

سوژکتیوی از این مقوله بدست داده اند). این خصوصیت، ملیت و تعلق ملی را از کارآیی و برندگی

سیاسی باورنکردنی ای برخوردار میکند. طوقی است بر گردن توده های وسیع مردم که کسی منشاء آن

را نمیداند و نمیتواند جستجو کند و با اینحال وجود آن آنقدر طبیعی و بدیهی است که همه آن را بخشی

از پیکر و وجود خویش میپندارند. اما نسل ما این شانس را دارد که در زمان حیات خود بطور روزمره شاهد

خلق ملتهای جدید و بی اعتباری مقولات ملی قبلی باشد و لذا میتواند هویت ملی را بعنوان یک محصول

اقتصاد سیاسی لمس کند و چه بسا نقد کند. ملیت یک قالب برای دسته بندی و آرایش دادن به انسانها در

رابطه با تولید و سازمان سیاسی جامعه است. ملت جمع افرادی با یک ملیت یکسان نیست، برعکس، تعلق

ملی فرد محصول نازل شدن هویت ملی جمعی بر اوست. این ملل نیستند که جدا و یا ملحق میشوند،

بلکه این الحاق ها و جدایی های تحمیلی به توده های انسانی است که ملتها را شکل میدهد. ناسیونالیسم

محصول سیاسی و ایدئولوژیک ملتها نیست، برعکس، این ملتها هستند که محصول ناسیونالیسم اند.

منصور حکمت: ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

۱- تعمیق و تشدید بحران و بن بست سیاسی-اقتصادی جمهوری اسلامی، ورشکستگی و شکست کامل سیاسی-ایدئولوژیک آن، که از طرفی در گسترش فقر و فلاکت و از طرف دیگر در رشد اعتراضات توده ای برای رفاه، آزادی و برابری و ناتوانی رژیم در مقابله با جنبشهای اعتراضی در جامعه، خود را نشان می‌دهد، حاکی از نزدیک شدن جدال جامعه برای زیر کشیدن جمهوری اسلامی و دستیابی به آزادی، برابری و رفاه و قرار گرفتن آن در آستانه تحولاتی تعیین کننده و بنیادی است.

۲- تعمیق مبارزه طبقاتی در ایران، نزدیک بودن خطر سرنگونی و انقلاب، بر متن شکست راه حل های درون حکومتی، توسط طبقه کارگر و مردم آزادیخواه، از طرفی شکافهای درونی حاکمیت را تشدید کرده و از طرف دیگر باعث ریزش درونی رژیم و پیوستن طبیفی از حکومتی ها به نیروهای راست در اپوزیسیون شده است.

۳- پیوستن بخشهای وسیعتری از مردم به مبارزه برای رفاه و آزادی، بی افقی و بی جوابی نیروهای بورژوایی، روشن شدن فاصله عمیق این نیروها با منافع و آرمانهای مردم تشنه آزادی و رهایی و بالاخره حضور قدرتمند طبقه کارگر و سوسیالیستهای آن، منجر به پولاریزه شدن هرچه بیشتر فضای سیاسی و اجتماعی در جامعه و نیروهای سیاسی شده است. پولاریزاسیونی که با به میدان آمدن طبقه کارگر با پرچم رادیکال و سوسیالیستی خود، و سمپاتی عمومی به این پرچم، امکان و فرصتی تاریخی را برای زدن مهر کارگر و کمونیسم آن به آینده ایران فراهم کرده است.

۴- حضور قدرتمند طبقه کارگر در صحنه سیاسی ایران، با پرچم رادیکال و سوسیالیستی خود، به جایگاه این طبقه بعنوان مهمترین نیروی دخیل در اوضاع سیاسی پرتلاطم امروز در سطح جامعه رسمیت داده است. این حضور در کنار وجود حزب حکمتیست (خط رسمی) بعنوان یک حزب سیاسی کمونیستی و رادیکال که طی چند دهه گذشته نمایندگی استقلال سیاسی و طبقاتی طبقه کارگر علیه افقها، سیاستها و تلاشهای نیروهای بورژوایی راست و چپ در جامعه را کرده است، قدرت و وزن طبقه کارگر و آزادیخواهی و کمونیسم آنرا دو چندان کرده است.

۵- امروز رابطه حزب حکمتیست (خطر رسمی) و سوسیالیسم درون طبقه کارگر قابل چشم پوشی نیست. حزبی که با افق کمونیستی خود و با تلاش برای سازماندهی یک پراتیک کمونیستی و اجتماعی،

از آنجا که:

۱- در سیر تغییر نظام سیاسی - اقتصادی ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی، دو نیرو و بازیگر اصلی، راست و چپ، بورژوایی و پرولتری، وجود دارد. پولاریزاسیون فضای سیاسی در ایران هرنوع توهم به سناریو ”همه با هم“ را در جامعه زوده و عملکرد آن تماما منتفی شده است.

۲- راست و چپ، مقدم بر احزاب و سازمانهای آن، بعنوان دو جنبش موجود و اجتماعی، طی سالهای اخیر، به روشنی به دو صف متمایز، در تحولات آتی شکل داده است. دو صف که هر یک تلاش میکند افق و آرمانهای خود را، هم در سیر سرنگونی و هم پس از آن، اعمال کند.

۳- چپ، تحت هژمونی گرایش کمونیستی با سازمان یابی و همبستگی سراسری، با تکیه بر مجامع عمومی و سازمانیابی شورایی، با اتکا به قدرت متشکل و سازمان یافته خود، امروز در بعد سراسری ابراز وجود کرده است. حزب حکمتیست (خط رسمی) بخش متحزب گرایش کمونیستی در طبقه کارگر و جامعه است.

۴- اپوزیسیون راست به همراه بخش های متنوع کننده شده از حاکمیت، با تکیه بر امکانات باندهای قدرت در دولت های غربی، در این دوره تلاش کرده که خود را حول تقدس گذشته و یک رهبری واحد، متحد و منسجم کند.

۵- مردم ایران، در دل مبارزات جاری خود، مبارزات کارگری و مردمی، مدت ها است که ”انتخاب“ خود را کرده اند. این انتخاب

قطعنامه پیشنهادی به کنگره دهم حزب درباره: اوضاع سیاسی و آلترناتیو کمونیستی

امروز بعنوان نیروی اصلی و شاخص آزادیخواهی، برابری طلبی، رادیکالیسم و سوسیالیسم کارگری شناخته شده است، حزبی که با اتکا به پیشروی ها و موقعیت سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر و کمونیسم آن، روشن وشفاف آلترناتیو نظام سیاسی آتی ایران را در مقابل تمام آلترناتیوهای بورژوایی دیگر قرار داده است. تقابل مشترک همه نیروهای بورژوایی راست و چپ با این حزب، با کمونیسم و رادیکالیسم کارگری آن، در این واقعیت نهفته است.

۶- جدالهای جدی و تعیین کننده ای در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی در راه است. تلاش نیروهای راست و بورژوایی برای در نطفه خفه کردن این انقلاب کماکان مخاطره ای جدی در پیش روی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه است. پیروزی طبقه کارگر و کمونیستها برای آزادی و برابری و رهایی مردم در این جدال سرنوشت ساز منوط به تقویت و هژمونی طبقه کارگر با پرچم سوسیالیستی خود و متحد کردن توده وسیع مردمی که برای آزادی، برابری و سعادت همگانی به پا خاسته اند حول آلترناتیو سیاسی و اجتماعی این طبقه، حکومت شورایی، است. این امر از وظایف عاجل ما است و بدون ایفای نقش حزب حکمتیست (خطر رسمی) و کمونیستهای طبقه کارگر متحقق نمیشود.

۷- کنگره با علم به این اوضاع و خطیر بودن آن، آلترناتیو ”کنگره سراسری شوراهای مردمی“ بعنوان تنها آلترناتیو رادیکال و مطلوب و مهیا کننده بهترین شرایط برای پیروزی طبقه کارگر و همچنین بر نقش حزب در شکل دادن به این آلترناتیو تاکید میکند.

۸- کنگره مقابله با آلترناتیوهای بورژوایی، سناریوهای نیروهای راست علیه جنبش آزادیخواهانه و رادیکال طبقه کارگر و مردم محروم را کماکان در دستور و اولویت خود قرار میدهد.

۹- کنگره بر ضرورت عروج حزب بعنوان حزبی کارگری- توده

قرار پیشنهادی به کنگره دهم حزب درباره: حزب حکمتیست (خط رسمی) و اپوزیسیون راست در تحولات آتی

چیزی نیست جز چپ و عدالتخواهی کارگری.

۶- نیروهای راست در برابر این واقعیات، سیاست کنار گذاشتن کمپین های ”اتحاد همگانی اپوزیسیون“ و جایگزین کردن آن با جدال علنی و رسمی، راست با چپ و کمونیسم، را رسماً آغاز کرده اند. در این راستا تلاش میکنند جریانات غیراجتماعی و حاشیه ای ”سناریو سیاهی“ چون سازمان مجاهدین خلق و دستجات و نیروهای قوم پرست را، نیز بعنوان متحدین تاکتیکی و دوره ای درکنار خود نگاه دارند.

۷- این شرایط، پولاریزه و رادیکال شدن فضای سیاسی جامعه، شکاف در حاکمیت را تشدید کرده است. یکی از نموده‌های این تشدید شکاف، ریزش رو به افزایش درونی جمهوری اسلامی به نفع نیروهای راست و پیوستن بخشی از ناراضیان درون حکومتی به صف راست است.

با توجه به این واقعیات کنگره دهم حزب اعلام میکند:

۱- دادن تصویری روشن از ملزومات پیشروی و تضمین پیروزی

ای و نیروی پیشقراول و رهبر در بزیر کشیدن جمهوری اسلامی تاکید میکند و دستیابی به این موقعیت را در اولویت حزب قرار میدهد.

۱۰- کنگره با توجه به خطیر بودن اوضاع سیاسی امروز و رسالت تعیین کننده حزب در دوره کنونی، با تاکید بر نقش ویژه حزب در توده ای، قابل انتخاب کردن و متحقق کردن آلترناتیو خود، خواهان بالاترین دخالتگری حزب در همه عرصه های مبارزه طبقاتی، ارتقاء ظرفیتهای سیاسی و عملی حزب در همه سطوح، بویژه رهبری حزب، با نیازهای این دوره است.

۱۱- کنگره با توجه به اولا ضرورت متحزب شدن کمونیستها بطور عموم و دوما ضرورت تقویت قدرت طبقه کارگر و کمونیسم آن در حکومت شوراهای مردمی بطور اخص، بر تلاش جدیتر و گسترده تر حزب برای متحزب کردن کمونیستها در حزب حکمتیست (خط رسمی) و تبدیل حزب به ظرف متشکل کننده کارگران سوسیالیست تاکید و اصرار دارد.

۱۲- کنگره توجه همه اعضاء و فعالین حزب را به درک خطیر بودن اوضاع سیاسی امروز، به فرصت تاریخی که برای طبقه و جنبش ما فراهم شده است و به حضور فعال و متحدانه برای پیروزی طبقه کارگر و کمونیسم در تحولات جاری ایران فراخوان میدهد.

۱۳- کنگره دهم حزب، توجه کارگران سوسیالیست و کمونیستها را به نقش تاریخی و تعیین کننده آنان در این برهه زمانی، به ضرورت متحزب شدن در این شرایط متلاطم جلب کرده و آنان را به متشکل شدن در حزب سیاسی خود، حزب حکمتیست (خط رسمی) فرا میخواند.

پیشنهاد دهندگان:

آذر مدرسی، فواد عبداللهی، خالد حاج محمدی، امان کفا

طبقه کارگر و مردم، در جدال بر سر سرنوشت و آینده جامعه، را در راس وظایف خود میداند.

۲- بر آلترناتیو ”کنگره سراسری شوراهای مردمی“، بعنوان فراهم کننده مناسب ترین شرایط پیروزی جنبش جاری، نه تنها در مقابل قدرت حاکم، که بعلاوه در مقابل همه نیروها و از جمله ”راست“ و جریانات حاشیه آن که در مقابل پیروزی این جنبش مانع ایجاد میکنند، تاکید میکند.

۳- حزب باید برای حفظ و گسترش هژمونی عدالتخواهی سوسیالیستی طبقه کارگر، مناسبات و رابطه خود با نیروهای راست را بیش از پیش شفاف و نقشه مند کند.

۴- حزب در سیر جدال با جمهوری اسلامی بعنوان قدرت حاکم، با تمام قوا در مقابل پروژه های راست برای دخالت در قدرت سیاسی، از جانب و به ”نیابت“ از مردم، و از بالای سر آنها، می ایستد.

۵- رهبری آتی حزب باید تلاش کند، که راست را به قبول موازین متمدانانه مبارزه سیاسی - حزبی در جامعه، به قبول هرآنچه که مردم امروز در جنبش و در جدالهای جاری خود، برای رفاه و آزادی انتخاب کرده اند و به هرآنچه که فردا در شوراهای مردمی و کارگری خود بعنوان ”آلترناتیو حکومت آتی“ انتخاب میکنند، متعهد کند.

پیشنهاد دهنده:

ثریا شهابی

اولین اصلی که کارگر باید در رد و قبول یک قانون کار در نظر بگیرد اینست که من بعنوان یک عنصر آزاد در این جامعه در سرنوشت خودم، در محیط کار خودم، در تعیین اینکه نیروی کارم را دارم در ازاء چه میفروشم و در چه شرایطی قرار است کار کنم و غیره، چقدر سهم و نقش دارم . اولین شافص اینست که کارگر بعنوان یک عنصر آزاد و یک شهروند صامب اختیار ظاهر بشود.

منصور حکمت

قرار پیشنهادی به کنگره دهم حزب در مورد: نقش کردستان در تحولات

آتی ایران

جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان در کردستان همواره سنگری برای دفاع از آزادیخواهی و برابری طلبی بوده است. بیش از چهار دهه تلاش‌های نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی، هیچگاه نتوانست مردم آزادیخواه کردستان را در مقابل سیاستهای ضد کارگری، ضد کمونیستی و ضد زن خود تسلیم کند. کمونیسم بعنوان یک جنبش اجتماعی قدرتمند و متحزب در ناکامی جمهوری اسلامی و حفظ کردستان بعنوان سنگر مقاومت و دفاع از انسانیت نقش تعیین کننده ای داشته است.

ما طی این سال ها شاهد تلاش ناسیونالیسم کرد برای قومی-مذهبی کردن جامعه کردستان و جدا کردن آن از مبارزات آزادیخواهانه سراسری، بوده ایم. این تلاش ها در دوره اخیر و زیر سایه دخالت‌های امپریالیستی، جنگ و تخصیصات منطقه ای و میدان داری سیاست های ارتجاع بین المللی و محلی در دامن زدن به «جنگ های نیابتی» و «قومی و مذهبی» کردن بیش از پیش خاورمیانه، شدت پیدا کرد. این سیاست و تلاش ها با مخالفت مردم کردستان و در راس و رهبری آن، حزب ما و نیروهای چپ و فعالین کمونیست جامعه همراه بوده و شکست خورده است. علیرغم این مخاطرات و علیرغم شکست و استیصال این جریانات بر متن توازن قوای جدید، پافشاری احزاب ناسیونالیست در تداوم سیاست های ضد مردمی شان و تلاش برای رنگ قومی و مذهبی زدن به اعتراضات اقشار مختلف جامعه کردستان را باید جدی گرفت.

حزب حکمتیست (خطر رسمی) با آگاهی از پتانسیل قوی چپ و کمونیسم در کردستان ایران و عطف توجه به مخاطرات ماجراجویی دستجات قوم پرست، مذهبی و ناسیونالیستی در این منطقه، مصمم به عقب نشاندن و حاشیه ای کردن نقش آنان در به کج راه بردن و منزوی کردن مبارزات مردم آزادیخواه کردستان از سراسر ایران است.

جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در کردستان بعنوان بخشی انتگره از جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان در ایران امروز پا به پای کارگران، زحمتکشان، معلمان و دیگر اقشار اجتماعی در سایر نقاط ایران در جدالی مشترک برای رفاه و آزادی، فضای سیاسی اجتماعی را تغییر داده است. بر متن این واقعیت زنده و در متن تناسب قوای امروز که با تحرک طبقه کارگر در مراکز صنعتی در سرتاسر کشور تامین شده است، عدالتخواهی کارگری در کردستان قادر به فتح سنگرهای مهمی در میدان مبارزه برای رفاه، آزادی و امنیت است.

در این راستا کنگره دهم حزب تاکید میکند:

۱- تامین هژمونی چپ در کردستان بعنوان سنگری جدی در مبارزه آزادیخواهانه مردم برای دستیابی به آزادی و برابری و اداره شورایی جامعه و تبدیل کردستان به نقطه اتکایی برای قدرتگیری طبقه کارگر و جنبش انقلابی را امر جدی حزب میدانند.

۲- حزب باید در سطح اجتماعی و همه عرصه های جدال در کردستان بعنوان یک نیروی اصلی در صحنه، عروج کند .

۳- تعیین نقشه ای روشن برای تضمین این امر و سازمان دادن جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در کردستان با افق چپ و کمونیستی در کردستان را در دستور حزب قرار میدهد.

کنگره دهم کمونیست ها، رهبران و فعالین طبقه کارگر، آزادیخواهان و برابری طلبان در کردستان را به پیوستن به این تلاش و مبارزه سازمان یافته و متحزب در حزب حکمتیست (خطر رسمی) و گسترش سازمان های حزب در جنبش های اجتماعی و محل های کار و محلات زندگی مردم، فرا میخواند.

پیشنهاد دهندگان:

سه‌ند حسینی- مظفر محمدی- محمد فتاحی

قرار پیشنهادی به کنگره دهم حزب در رابطه با: وظایف حزب حکمتیست در ارتقا مبارزات جاری

۱- تلاش برای تحمیل هر درجه از مطالبات کارگران و معلمین و نیروی کارکن جامعه، تامین هر درجه از بهبود و رفاه و به این اعتبار پیروزی در مبارزات جاری برای بهبود معیشت و تقویت تامین رهبری رادیکال و سوسیالیستی در سطح محلی و سراسری را یکی از اولویتهای عاجل خود میدانند.

۲- منظم کردن مجامع عمومی به عنوان سنگ بنای تشکل شورایی طبقه کارگر و تلاش برای شکل گیری اتحاد طبقه کارگر و اقشار پایین جامعه در اشکال فرا فابریکی، فرا محلی، منطقه ای و سراسری را امری عاجل و وظیفه فوری حزب حکمتیست (خط رسمی) و فعالین و رهبران کمونیست در این مبارزات میدانند.

۳- تقویت اشکال سازمانیابی توده ای و سنت حفاظت از رهبران، نمایندگان و سخنگویان طبقه کارگر و اقشار محروم در جنبش ها و مبارزات جاری در مقابل پلیس سیاسی و دستگاه سرکوب، را در دستور خود قرار میدهد.

۴- حزب حکمتیست (خطر رسمی) تلاش های تفرقه افکنانه، تقسیم کارگران و زحمتکشان به ملت و قوم و مذهب و جنسیت و زبان و فرهنگ و... را در ضدیت با منافع کارگران و زحمتکشان و زنان، مذموم دانسته و خنثی کردن این تلاش ها را در دستور و وظیفه خود قرار داده است.

پیشنهاد دهنده:

خالد حاج محمدی

جامعه ایران روزانه شاهد اعتصابات و اعتراضات وسیع کارگری و اقشار زحمتکش جامعه حول معیشت، برای بهبود و رفاه عمومی، علیه فقر و گرسنگی و استبداد سیاسی است.

جنبش کارگری، جنبش حق زن، معلمان، بازنشستگان، نسل جوان و .. امروز بیش از هر دوره ای مهر سوسیالیستی و ضد کاپیتالیستی را بر خود دارد. مهري که در مطالبات برابری طلبانه ای چون، رفاه همگانی، برابری و رفع تبعیض، آزادی زن، حقوق کودک، طب و تحصیل رایگان تا وسیعترین آزادی های سیاسی خود را نشان میدهد. بدون شک کارگران کمونیست و سوسیالیستهای صفوف جنبش های اجتماعی در این پیشروی، بویژه در سازمادهای پایدار و رهبری این جنبش ها نقش تعیین کننده ای داشته و دارند.

اقشار محروم جامعه عموماً و طبقه کارگر خصوصاً نجات خود و جامعه را از استثمار، از فقر و بی حقوقی، رفتن جمهوری اسلامی میدانند. از اینرو هر پیروزی در هر مبارزه ای، هر بهبودی به نفع پایین، به سکوی پرشی برای طرح توقعات بیشتر و تغییر توازن قوا به نفع کارگران و بخش محروم جامعه و تشدید بن بست و بحران جمهوری اسلامی، تبدیل میشود.

دامنه محاصره جمهوری اسلامی که از طرفی چشم انداز و افق روشنی برای حل معضل معیشت جامعه و خروج از بن بست اقتصادی را ندارد و از طرف دیگر مستاصل و ناتوان از سرکوب این جنبش وسیع و توده ای برای رفاه و برابری است، تنگ و تنگتر میشود.

بر این اساس حزب حکمتیست (خطر رسمی) اعلام می کند:

ما فرهنگ مردم را عوض میکنیم. بجای این که شما بیایید نیمی از جامعه را قربانی بکنید، میتوانید آن فرهنگ را قربانی بکنید. خیلی ساده است! ما مردم مرفقی و پیشرو آن مملکت را بسیج میکنیم و سازمان میدهیم. ما کنار هر مدرسه دخترانه یا هر مدرسه مختلطی که قرار است در آن مملکت وجود داشته باشد، رادیکالهایی را میگذاریم که جلوی اوباش را بگیرند. ما قوانینی را میگذاریم و این قوانین را با بودجه‌هایی تضمین میکنیم که ضامن شرکت زنان در فعالیت اجتماعی باشد، جلوی تحریک علیه آنها را بگیرد، جلوی نیروهای قشری و عقب مانده را بگیرد. ما کاری خواهیم کرد که کسی که مزاحم امر رهایی زن و امر برابری زن و مرد بشود، جامعه او را به چشم خظاکار نگاه کند، درست مثل کسی که مزاحم بهداشت مردم شده، کسی که مزاحم خوشبختی آدمها بطور کلی شده، درست مثل کسی که از اموال دولتی و اموال کشور اختلاس کرده، درست مثل کسی که مانع رساندن بیمار به دکتر شده... به همان چشم به کسی نگاه کنند که مانع درس خواندن دختری شده، مانع اشتغال زنی شده، یا مانع این شده که زنی هر لباسی میخواهد بپوشد و به سر کار برود. ما فرهنگ را عوض میکنیم. بجای این که خودمان را عوض کنیم، یا حقیقتی که به آن معتقدیم زیر پا بگذاریم، آن فرهنگ را عوض میکنیم.

آن فرهنگ از کجا آمده؟ آن فرهنگ هم تاریخاً محصول طبقات حاکمه در آن کشور است، فرهنگی است که بدرد سودآوری سرمایه میخورده، فرهنگی که بدرد حاکمیت همین لات و لوتایی که در ایران بر سر کارند میخورده... ما حکومت را عوض میکنیم، فرهنگ را هم عوض میکنیم. همه جای دنیا همینطور است. شما نمیتوانید آزادی بیاورید بدون اینکه به سنتهای عقب مانده هجوم ببرید. ما این سنتها را عقب میزنیم، نیم بیشتر مردم ایران، فکر میکنم اکثریت عظیمی از مردم ایران در حرکت علیه فرهنگ عقب مانده با ما خواهند بود. اگر هم بخشهایی قشری و عقب مانده و متحجر پیدا بشود، چاره‌ای ندارند. باید دندان روی جگر بگذارند. بالاخره کسی باید دندان روی جگر بگذارد. یا زن باید دندان روی جگر بگذارد و تحت ستم بماند، یا آن حاج آقا باید دندان روی جگر بگذارد. ما در این قضیه میگوییم حالا حاج آقا لطفا دندان روی جگر بگذارد...

منصور حکمت

قرار پیشنهادی به کنگره دهم حزب در مورد:

بحران تخریب محیط زیست

از این رو کنگره دهم حزب حکمتیست (خط رسمی) تاکید می‌کند که:

۱- حزب خود را متعلق و بخشی از جنبش وسیع بین‌المللی طبقه کارگر و بشریت متمدن دنیا می‌داند که نظام سرمایه‌داری را باعث و بنای این تخریب بی‌سابقه محیط زیست قلمداد می‌کند. از این رو حزب به عنوان یک جریان کمونیستی باید دخالتگری موثر خود را جنبش علیه تخریب محیط زیست در همه ابعاد تامین کند.

۲- حزب مقابله با سیاست‌های جمهوری اسلامی در تخریب محیط زیست، تلاش برای سازمانیابی مردم جهت تامین نیازمندی‌های خود از آب شرب تا هوای سالم و مقابله با بحران محیط زیستی و تقویت مبارزات موجود را امر خود میدانند و برای آن میکوشد.

۳- حزب همه فعالین کارگری، سوسیالیستی و فعالین جنبش‌های اجتماعی را به مبارزه‌ای مشترک علیه تخریب محیط زیست و نابودی کره زمین توسط بورژوازی و دولت‌های آن فرا می‌خواند.

۴- نیروهای مرتجع و ناسیونالیست‌های محلی و منطقه‌ای در جهت تفرقه‌اندازی در صفوف کارگران گام برمی‌دارند. حزب راهکارهای بورژوازی به اسم «حل بحران محیط زیست» را افشا کرده و بر این اساس در راستای اتحاد کارگری مبارزه علیه هرگونه سواستفاده از مسئله تخریب محیط زیست و هرگونه به انحراف کشیدن جنبش اعتراضی جاری در ایران تلاش می‌کند.

و نظامی مدون کرده که تولید را نه بر مبنای سود، بلکه بر مبنای نیاز جامعه و در همسویی با پایداری چرخه طبیعت سازمان می‌دهد. جنبشی که برای رهایی بشریت از کارمزدی و برقراری جامعه شورایی و اشتراکی پیش می‌رود. به همین دلیل است که این جنبش هراس حاکمان کشورهای سرمایه‌داری را برانگیخته است.

۴- در طول چند دهه اخیر خاورمیانه و به طور مشخص ایران به شدت تحت تاثیر تغییر اقلیم قرار گرفته و خشکسالی‌های گسترده و سیل‌های مقطعی ویرانگری را تجربه می‌کند. علاوه بر وجود خشکسالی‌های ناشی از تغییر اقلیم، حکمرانی آب توسط جمهوری اسلامی بر شدت بحران آب دامن زده است. در نتیجه از یک سو محیط زیست در شرایطی است که توانایی حفظ چرخه پایداری خود را از دست می‌دهد و از سوی دیگر کم‌آبی آسیب جدی بر سلامت، بهداشت و معیشت بسیاری از بخش‌های جامعه وارد کرده است. بورژوازی حاکم در ایران حاضر به پذیرش مسئولیت در قبال این تخریب فزاینده نبوده و کاملاً واقف است که اعتراض برای حفظ محیط زیست، در حقیقت کلیت حکومتش را نشانه رفته و به همین دلیل هر اعتراضی از سوی جامعه به این تخریب را با دستگیری، زندان و سرکوب گسترده پاسخ می‌دهد.

۵- امروز اعتراضات موجود در ایران کاملاً حاکی از یک همبستگی وسیع در جامعه است که در آن جنبش اعتراضی برای حفاظت از محیط زیست، نه اعتراضی در حاشیه مبارزه طبقاتی، بلکه بخشی از مبارزه طبقه کارگر و مردم محروم در ایران است که تنها راه جلوگیری از این تخریب فزاینده را در عبور از نظام اسلامی سرمایه و بنیاد نهادن جامعه‌ای آزاد و برابر می‌داند.

۱- بحران محیط زیست و تغییر اقلیم سالانه جان میلیون‌ها انسان را در سرتاسر جهان در خطر جدی قرار داده است. انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از سوخت‌های فسیلی، از بین بردن جنگل‌ها و توسعه افسارگسیخته دامداری‌های صنعتی، سبب افزایش دمای کره زمین شده است. معضلاتی چون خشکسالی‌های شدید، سیل‌های ویرانگر، آتش‌سوزی جنگل‌ها، انقراض گونه‌ها، تشدید فقر و نابرابری‌های اجتماعی و مهاجرت‌های گسترده بخشی از پیامدهای تغییر اقلیم است. با وجود اینکه ایران یکی از ۱۰ کشور انتشاردهنده کربن در جهان است، جمهوری اسلامی همچنان بر مسیر کربن‌زایی که نتیجه‌ای جز تشدید گرمایش زمین ندارد پافشاری می‌کند.

۲- نظام سرمایه داری، که به دنبال پیشرفت کور خود برای سود، محیط زیست را با تخریب بی‌سابقه مواجه کرده، بار اصلی ویرانی ناشی از این تخریب را بر دوش کارگران و فرودستان در مقیاس جهانی قرار داده است. در دوره اخیر، اعتراضات وسیع و جهانی علیه این تخریب و تبعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن، بیانگر یک «نه» محکم به ادعاهای دروغین سرمایه داری برای «نیاز به اشتغال» یا «پیشروی و تمدن» و یا عناوینی چون «توسعه پایدار و سرمایه داری سبز»، است.

۳- مبارزه علیه تخریب محیط زیست، مبارزه‌ای عمیقاً طبقاتی و علیه سیستم تولید سرمایه‌داری است که قدمت آن به طول عمر نظام سرمایه‌داری می‌رسد؛ جنبشی که ریشه آن در جهان بینی ماتریالیستی و کمونیستی، در مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه و رابطه‌اش با کار نهفته است. این جنبش تنها راه جلوگیری از گسست رابطه انسان و طبیعت توسط سرمایه را در برقراری سوسیالیسم

قرارپیشنهادی به کنگره دهم حزب درباره: حزب حکمتیست (خط رسمی) و معضل فلسطین

۳- هر نوع حمایت رسمی یا غیر رسمی احزاب، دولت‌ها و جریان‌های سیاسی، از سیاست‌های فاشیستی دولت اسرائیل به بهانه مقابله با «آنتی سمیتسم» و فجاج جنگ دوم، و همچنین به بهانه ضدیت با جمهوری اسلامی و نیروهای اسلامی را سیاستی راست، ضد مردمی و ارتجاعی می‌داند که در راستای تدوام بخشیدن به بی‌حقوقی تاریخی مردم فلسطین است.

۴- دوشادوش طبقه کارگر و بشریت متمدن، برای به رسمیت شناختن حق تشکیل دولت مستقل فلسطین با حقوق برابر با دیگر دولت‌ها، به مثابه راه‌حلی ممکن و قابل اجرا برای خلاصی از تبعیض و نابرابری قومی حاکم تلاش می‌کند.

دولت‌ها و کلوپ فاسد و ریاکار دستگاه دموکراسی غربی، دنبال می‌کند و نه توسط سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر آن و نه حماس، حزب الله و الفتح و حاکمان مرتجع منطقه، از ایران تا عربستان؛ بلکه حل این مسئله را در پایان دادن به سیاست آپارتاید قومی دولت اسرائیل، توسط مردم و مشخصاً طبقه کارگر جستجو می‌کند. امروز بشریت متمدن به حق سوء استفاده سیاسی تمامی این دولت‌ها و قدرت‌ها را عامل اصلی ادامه مصائب مردم فلسطین می‌داند.

کنگره دهم حزب حکمتیست (خط رسمی) بار دیگر تاکید می‌کند که:

۱- خود را بخشی از جنبش سراسری مبارزه علیه «آپارتاید قومی» دولت اسرائیل می‌داند.

۲- تمام راحل‌های ارتجاعی و تبلیغات فاشیستی علیه مردم فلسطین و دامن زدن به نفرت میان مردم به بهانه «مسلمان»، «عرب»، «یهودی» و «اسرائیلی» را محکوم و مردود می‌داند و برای خنثی کردن آن تلاش می‌کند.

حضور جنبش‌های اعتراضی در خاورمیانه علیه شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم در دنیای عرب و همچنین گسترش اعتراضات در اسرائیل، معضل فلسطین را از قلمرو سوء استفاده نیروهای ارتجاعی منطقه و دولت‌های حاکم و تبدیل آن به کانون امتیازگیری و معامله میان قدرت‌های «جامعه بین‌المللی» خارج کرده است.

از طرف دیگر بی‌اعتباری سازمان‌هایی که سنتاً بعنوان نماینده مردم فلسطین ابراز وجود و فعالیت می‌کردند در نزد مردم فلسطین و پا گرفتن جنبشی رادیکال، سکولار و غیر قومی - مذهبی در میان مردم فلسطین، درجه امیدی را برای حل رادیکال و انسانی این معضل تاریخی فراهم کرده است.

در نزد افکار عمومی در دنیای امروز، ادعاهای دروغین دولت اسرائیل و متحدین آن مبنی بر «دفاع از مردم یهود» در مقابل مردم «عرب» و بهانه‌های دائمی آن در ارتکاب به جنایات علیه مردم فلسطین، کاملاً بی‌اعتبار شده و هیئت حاکمه اسرائیل به عنوان سمبل «آپارتاید قومی» نزد جهانیان، شناخته شده است.

اکنون بشریت متمدن و مترقی حل مسئله فلسطین را دیگر نه توسط

پیشنهاد دهندگان:

مهرداد نیاورانی، سارا فرهادی، بهزاد رادمنش

پیشنهاد دهندگان:

فواد عبداللهی و امان کفا

قرار: همکاری سه حزب در تقابل با تاثیرات مخرب جنگ اوکراین

قرار درباره ضرورت همکاری سه حزب کمونیستی کارگری در تقابل با تاثیرات مخرب جنگ اوکراین

مصوب کنگره دهم حزب (باتفاق آراء، فروردین ۱۴۰۱، مارس ۲۰۲۲)

کنگره دهم حزب، رهبری منتخب را فرا میخواند که با توجه به تغییراتی که به دنبال جنگ اوکراین و تاثیرات آن در سطح جهانی به وجود آمده است، با دو حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری کردستان فوراً پلاتفرمی عملی را در دستور کار خود قرار دهد و نقشی پیشرو در مقابله با هر دو جبهه جنگ و میلیتاریزم در سطح جهانی و منطقه ای ایفا کند.

رفقای کمونیست، با درودهای گرم!

مدتهاست که ناقوس تحولاتی عظیم و تعیین‌کننده در جامعه ایران به صدا درآمده است. با تکان خوردن توده‌های شهری و با به‌میدان آمدن طبقه کارگر ایران، چشم‌انداز به‌گور سپردن جمهوری اسلامی و بدست گرفتن سرنوشت میلیون‌ها انسان به دست خویش، بیش از هر دوره‌ای نزدیک است. بن‌بست اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی در پاسخ به نیازهای انسان امروز در قرن بیستویکم، یك واقعیت غیرقابل انکار است که سران ریز و درشت این نظام را به وحشت و تکاپو انداخته است. ریزش درونی رژیم و پیوستن طیفی ملون از حکومتی‌ها به نیروهای راست در اپوزیسیون، تأثیرات و هراس از رادیکالیسم جنبشی است که از دیماه ۹۶ به این طرف، روز به روز با پیشروی طبقه کارگر و مردم آزادی‌خواه برای جارو کردن بساط این نظام کلید خورده است. خطر سرنگونی به دست طبقه کارگر و تعمیق آلترناتیو این طبقه، کشتی بورژوازی ایران و حاکمیت‌اش را در طول چند سال اخیر، در مقابل رشد کمونیسم و جنبش توده‌ای و سراسری حول مسئله رفاه، برابری و آزادی در گِل فرو برده است.

رفقای کمونیست!

امروز با آشکار شدن تناقضات پایه‌ای بورژوازی ایران و نسخه‌های دست راستی در صفوف اپوزیسیون آن با منافع بنیادین اکثریت مردم، شاهد یك تفکیک سیاسی در صفوف مبارزات گسترده اجتماعی و پیوستن هرچه بیشتر توده‌های وسیع مردم به صفوف مبارزه طبقه کارگر علیه جمهوری اسلامی برای رفاه و برابری هستیم. از نگاه هر ناظر زنده‌ای، دوران به تمکین کشاندن مردم توسط افق‌های قسطی بورژوازی با دست بدست کردن قدرت از بالای سر مردم به‌سر رسیده است. فضای سیاسی امروز، مهر چشم‌انداز اداره شورایی طبقه کارگر و کمونیسم را بر خود دارد. از نظر ما و کنگره اخیر ما هم، شرایط هیچ‌گاه به اندازه امروز برای خیز برداشتن به سمت یك دخالت آگاهانه و سرنوشت‌ساز جهت به پیروزی رساندن جنبش سراسری محرومان ایران توسط یك آلترناتیو قدرتمند کمونیستی و کارگری، مهیا نبوده است. امروز بیش از هر زمانی جدال و مبارزه مستقیم دو طبقه اصلی، یکی طبقه کارگر و دیگری جمهوری اسلامی به نمایندگی از جانب کل بورژوازی ایران آینده تحولات را رقم می‌زند. رسالت هر نوع کشایش سیاسی، هر نوع کشایش فرهنگی در جامعه، تضمین

پیام کنگره دهم حزب حکمتیست (خط

رسمی) به کمونیست‌ها در ایران

کمترین درجه پیشروی جدی در زمینه احقاق حقوق زنان، رسالت هر نوع بهبود جدی در اقتصاد و معیشت طبقه کارگر و سایر بخش‌های محروم جامعه و بالاخره رسالت شکل دادن به آینده‌ای مرفه، امن و سعادتمند در ایران بیش از هر زمانی بر عهده طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه است.

همین واقعیت بنیادین است که موقعیت امروز بورژوازی ایران، «موقعیت‌ها» و «ناکامی‌های» آن، تناقضات بنیادین احزاب اپوزیسیون راست و نسخه‌های آنها برای آینده بعد از جمهوری اسلامی را یکبار دیگر تعریف کرده است. همین واقعیت بنیادین است که سخیف‌ترین حملات و گستاخانه‌ترین هجمه‌ها را علیه کمونیسم و کارگر در دوایر اپوزیسیون راست تولید کرده است. کمونیست‌های طبقه کارگر در برابر کل احزاب و جنبش‌های بورژوایی، سوسیالیسم و اداره شورایی را بعنوان یک آلترناتیو واقعی و قابل تحقق در برابر جامعه قرار داده‌اند، سوسیالیسمی که با اتکا به یك طبقه کارگر قدرتمند بعنوان یک نیروی مستقل در ساخت سیاسی، تنها قطب سیاسی مبشر یک جامعه آزاد، برابر و مرفه در ایران است، می‌تواند و باید پیروز شود.

رفقای عزیز!

پیروزی برای ما و طبقه ما محتوم نیست. این پیروزی به درجه اتحاد، اراده آهنین، روشن‌بینی سیاسی و تحزب نیرومند کمونیستی ما بستگی دارد. بورژوازی ایران چه در حاکمیت و چه بیرون از آن را باید با نیرویی به همان اندازه قوی و به مراتب نیرومندتر شکست داد. هیچ زندانی و اسیری در سلول انفرادی دشمن، مایه تحولی جدی و اجتماعی نبوده است. تمام هنر بورژوازی اینست که مانع تحزب و اتحاد کمونیست‌ها و طبقه ما شود؛ یکی‌شدن و یکی‌بودن ما را از هم بگسلد؛ که بردگان را از دست بردن به اساسی‌ترین ابزار تغییر جهان، یعنی تحزب، دور نگه دارد. حزب ما در عالی‌ترین اجلاس خود، یعنی کنگره دهم، مصمم است که بر این مانع جدی بورژوازی غلبه کند. که سدهای ذهنی و عملی

بورژوازی را در هم بشکند و راه پیوستن کمونیست‌ها به حزب خود را هموار کند.

ما معتقدیم که تنها یك حزب نیرومند و متشکل از مجرب‌ترین کمونیست‌های زمانه می‌تواند سیر تحولات در ایران را رقم بزند و پیروزی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر را تضمین کند. امروز روزنه‌ای برای دخالت کمونیست‌ها و طبقه کارگر در ایران باز شده است، درچه امیدی به عبور از جمهوری اسلامی و تغییر بنیادین در جامعه گشوده شده است و فرصتی برای دخالت آگاهانه و متحزب کمونیست‌ها مهیا شده است. به هر درجه ما با هم بودن‌مان را تضمین کنیم، به هر میزان ما در حزب کمونیستی خود گرد هم آئیم، به هر میزان اتحاد و یکپارچگی خود را حول مسائل میرم راهبردی تامین کنیم، به همان درجه چند گام مهم به سمت انقلاب کارگری برداشته‌ایم.

کنگره حزب ما، همه کمونیست‌ها را به یك دخالت‌گری تاریخی، به مبارزه‌ای مشترک و آگاهانه فرا می‌خواند؛ کنگره اخیر حزب، کمونیست‌ها را فرا می‌خواند که در پیوستن به حزب حکمتیست (خط رسمی) به عنوان ابزار این دخالت‌گری آگاهانه درنگ نکنند. فراخوان ما به تمام کمونیست‌هایی است که به جز انقلاب کارگری و پرچیدن نظام سرمایه‌داری، جز رهایی طبقه کارگر و بشریت از بردگی مزدی، جز برابری و پایان دادن به تبعیض طبقاتی، ملی، قومی، مذهبی و جنسیتی امر دیگری ندارند. این حزب کمونیست‌هایی است که سر سوزنی به هیچ‌کدام از تحركات ارتجاعی تحت نام «مخالفت با جمهوری اسلامی» باج نمی‌دهد و در مقابل آنها کوتاه نمی‌آید. این حزب متعلق به تکتک کسانی است که به پیروزی می‌اندیشند و فکر می‌کنند که بردگی سرنوشت محتوم طبقه کارگر نیست و رهایی بشریت با دخالت آگاهانه و متحزب کمونیست‌ها امکان‌پذیر است.

کنگره ما، همه کمونیست‌ها را به گردآوری نیرو و سازمان‌دادن آن در حزب خود، حزب حکمتیست (خط رسمی) برای نبرد نهایی طبقه کارگر علیه جمهوری اسلامی فرامی‌خواند. ما می‌توانیم پیروز شویم و تاریخ واقعی زندگی بشر را تدوین کنیم.

زنده باد انقلاب کارگری
زنده باد کمونیسم
فروردین ۱۴۰۱ - مارس ۲۰۲۲

کمونیست‌ها و پراتیک پوپولیسته

بینش پوپولیستی در زمینه تشکیلات، از **ساختن تشکیلاتی انقلابی برای سازماندهی انقلاب اجتماعی** پرولتاریا طفره می‌رود، زیرا این امر را اساسا به معنای ملموس و عینی کلمه **عمل انقلابی** در نظر نمیگیرد و لذا هر کس به فوریت خواهان سازمان دادن طبقه کارگر در حزب مستقل طبقاتی‌اش باشد، هر کس بر آگاه کردن پرولتاریا به منافع مستقل طبقاتی اش (*یعنی منافع سوسیالیستی‌اش*) بمثابه یک کار مبرم و روزمره سازمانی اصرار ورزد، از جانب پوپولیسم چنین پاسخ میگیرد که: **“این کار آرام سیاسی است”! شگفت انگیز است که سازمان دادن انقلاب اجتماعی پرولتاریا و گرفتن قدرت سیاسی – امری که دهها سال است به تعویق و تاخیر افتاده است – بر چسب “کار آرام سیاسی” بخورد!**

نمونه دیگر مقاومت پوپولیستی در برابر اتخاذ سبک کار کمونیستی این است که پافشاری بر فوریت بخشیدن به کار سوسیالیستی (اعم از تبلیغ و ترویج و سازماندهی سوسیالیستی طبقه کارگر) بر چسب ولونتاریسم و اراده‌گرائی میخورد. کار سوسیالیستی برای پوپولیسم در تحلیل نهائی و علیرغم هر ادعائی که داشته باشد، به درجه‌ای از رشد جنبش خودبخودی طبقه کارگر منوط و موکول میشود. در این دیدگاه جنبش سوسیالیستی اصولا بعنوان جنبش طبقه کارگر در نظر گرفته نمیشود و صرفا به قطب مخالف جنبش “خودبخودی” تبدیل میشود. در اینجا این واقعیت فراموش میشود که جنبش “خود بخودی” پرولتاریا هر قدر هم خودبخودی باشد، دیگر عصیان بردگان که نیست! این جنبش طبقه‌ای است که در هر مقطع بر زمینه نظریات موجود و در دسترس خود، اشکال ابتدائی حرکت به خود میگیرد و به راه میافتد.

جمعبندی کلیات مبحث سبک کار

در کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست

نشریه بسوی سوسیالیسم، دوره اول شماره ۶، ۲۰ مرداد ۱۳۶۲

زنده باد سوسیالیسم

نشریه ماهانه کمونیست

نشریه ای از مزب کمونیست کارگری - مکتبیت (فقط رسمی) است
مسئولیت مقالات کمونیست با نویسندگان آن است

سردبیر: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

دستیار سردبیر: هساره ابراهیمی

hasara.ebrahimil@gmail.com

تماس با واحدهای

تشکیلات خارج کشور

حزب حکمتیست خط رسمه

انگلستان: بختیار پیرخضری: تلفن ۰۰۴۴۷۵۷۷۹۵۲۱۱۳

pirkhezri.bakh@gmail.com

استکهلم: رعنا کریم زاده: تلفن ۰۰۴۶۷۳۹۲۸۶۸۴۲

rana.karimzadeh@ymail.com

یوتبوری: سیوان رضائی: تلفن ۰۰۴۶۷۳۹۲۴۱۳۸۳

syvan_rezaei@yahoo.com

آلمان: محمد راستی: تلفن ۰۰۴۹۱۷۶۴۷۶۰۶۴۵۴

mohammedraasti@yahoo.com

دانمارک: ابراهیم هوشنگی

ebi_hoshangi@hotmail.com

نروژ: آزاد کریمی: تلفن ۰۰۴۷۴۰۱۶۱۰۴۲

azadkarimi@yahoo.com

بلژیک: پیمان حسینی: تلفن ۰۰۳۲۴۸۵۱۲۲۶۰۷

parham.poya@gmail.com

تورنتو: سهند حسین زاده

sahand.hosseinzadeh@gmail.com

ونکوور: دلشاد امین: تلفن ۰۰۱۶۰۴۷۰۰۸۵۲۲

gmail.com@shashasur1917

آمریکا: اسد کوشا

gmail.com@akosha2000

تماس با حزب

دبیرفانه مزب: هساره ابراهیمی

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

دفتر کردستان: سهند مسینی

sahand.sabet@gmail.com

تشکیلات خارج کشور: آسو فتومی

aso.fotuhi@gmail.com

حکمتیست هفتکے نشریہ رسمه حزب،

پنج شنبہ ہا مانتشرہے نشود (حکمتیست را بخوانید)

www.hekmatist.com